

المسی ساراولتی (الف) سازهای سنتی ایران را، بی حدش به آهنگدان سپاریم.

برای: دکتر علی اکبر ضریف (ب)

ادیب و استاد برجسته ساز قانون - آمریکا

نقد کتاب

"آموزش ساز قانون" (جلد اول - ۱)



مؤلف: ملیحه سعیدی (ایران)
با نظر و همکاری: حسین دهلوی (ایران - پ)

Khazan1367@gmail.com

یحیی خزائینه / تورنتو - کانادا.

جمعه ۲۵ بهمن ماه ۱۳۹۲ برابر با February, Friday 14, 2014

به جای پیش گفتار:

در سال ۱۳۵۲، تیمسار سرتیپ **محمد فرزام (ت)** فرمانده ی نظامی **یادگان چهل دختر شاهرود** بود.

در یادگان چهل دختر، صحبت کردن سرکار استوار شاه پسند جداً شنیدنی و تماشایی بود. در واقع، او گُمَدین غیر رسمی. یادگان چهل دختر محسوب می شد. سرکار استوار شاه پسند، احتمالاً به دلیل مقتضای شغلی اش، متخصص در نثار کردن باران فحش و ناسزاهای رکیک به سربازان خاطی بود. و به همین سبب، وی ناخواسته در میان ارتشی ها و سربازان شهرتی کاذب نیز برای خود دست و پا کرده بود. از عجایب زمانه این که به طور باور نکردنی، **حضرت استاد دکتر رضا براهنی (تورنتو-ث)**، از نظر خوش تیپی و داشتن سیمای مشعشع و بسیار جذاب خود، کاملاً شبیه سرکار استوار شاه پسند می ماند. درست مانند لیمو ترشی که آن را از وسط نصف کرده باشند! با آن که سرکار استوار شاه پسند جزو کادر ثابت ارتش و از بی سواد ترین قشر جامعه محسوب می شد؛ اما هر چه که بود، از نقطه نظر داشتن صفات انسانی، واقعاً خودش بود و ادعایی هم نداشت. و عجیب آن که سرکار استوار شاه پسند به بیماری مزمن "قدرت پستی" قریب به اکثر رهبران سیاسی، و هم چنین به مرض لاعلاج از "خودشیفتگی" آن قشر از روشن فکران ایرانی بی ریشه و بی فرهنگ چپ و راست، مبتلاء نبود. حالا؛ صبح اول صبح، درجه داران و سربازان بی صبرانه منتظرند تا ببینند سرکار استوار شاه پسند مشغول اجرای چه نمایشی است!

به گروهان آماده باش داده می شود. سرباز وظیفه **رسول شکاری (ج)**، همین طور شل و ول، و بی خیال روبروی گروهان ایستاده است! سرکار استوار شاه پسند عطسه کنان، خیلی آرام دور سرباز وظیفه رسول شکاری چرخ می زند و به ورنانداز کردن قد و قواره ی او می پردازد. و سپس به طور مرتب با تکان دادن سرش به سمت چپ و راست، پس از مکث کوتاه، معرکه گیری را از سر می گیرد. صدای خفیف خنده و پیچ و پیچ به گوش می رسد. به ناگهان، سرکار استوار شاه پسند با لهجه منحصر به خودش؛ رو به گروهان، تشریزنان، فریاد بر می آورد و می گوید: **"خفه خون! چی یه! صبح اول صبح چه خورده اید که آنقدر (این قدر) پیچ و کَرَکری خنذ می کنید؟"**

با تشریز سرکار استوار شاه پسند، از صدای خنده و پیچ و پیچ کردن درجه داران و سربازان کاسته می شود و گروهان به خود می آید. با این حال، هنوز صدای خنده های خفیف از گوشه و کنار به گوش می رسد. سرکار استوار، با بالا آوردن و تکان دادن انگشت سبابه ی دست راستش به طرف گروهان، با صدای بلند می گوید: **"آرتش، یعنی نظم. آرتش، یعنی انضباط. آرتش، دیوار دار. دیوار آرتش، بتونی. سرت را به دیوار آرتش بزنی، سرت می ترک. . ."** و بعد، توأم با مکث های بسیار بلند و کشیده، ادامه می دهد: **"این گردن شکست (شکسته)؛ سربازک وظیف (وظیفه)؛ رسولک شکاری؛ دوره ی خدمتش؛ چند ما (ماه) پیش تمام شد. . . دی (دیگر) اینکه، این جانورک دو پا، دوبار (دوباره) دست (دسته) گل به آ (آب) داد (داده)!"**

نخودی خندیدن گروهان ادامه پیدا می کند. و سپس، سرکار استوار شاه پسند در حال دور زدن به دور سرباز خاطی، رشته ی کلام را به دست می گیرد. و در حالی که از روی غضب، کلمات را با حالت کش دار و مکث های بلند ادا می کند؛ می گوید: **"این، سربازک صفر، رسولک شکاری، مثل؛ گاب (گاو)؛ پیشانیه؛ سپید؛ ده ما، می مان (می ماند)؛ یعنی؛ شد، تابلوی، یادگان، چل دختر! آدم بشو نیس (نیست) دی. مثل این که مخواه (می خواهد)، باقی عمرش را، در آرتش، اضافه خدمت کن (کند)!!"**

اکنون، سکوت مرگ باری محوطه تجمع گروهان پنج را فرا گرفته است. نفس ها در سینه حبس شده اند. نا آرامی و نا امیدی در چهره ی رسول شکاری، همانند شکار اسیری که در چنگال جانوران درنده گیر افتاده باشد، به چشم می خورد. قدرت دفاع کردن از خود ندارد. سرش را از روی ناچاری پایین انداخته و چشمانش به نقطه ای از زمین جلوی پایش خیره مانده است. زمان به کندی می گذرد. گروهان منتظر پایان این ماجرای دل ناپذیر صبح گاهی است. در این هنگام، سرکار استوار شاه پسند با تکان دادن مرتب انگشتان به هم چسبیده ی دست چپش که به نزدیکی گونه ی سمت راست او رسیده، پس از مکث بلند؛ رو به گروهان ادامه می دهد: **"این سربازک بی انضباط، رسولک شکاری، هبته ای (هفته) یک شب، در باشگاه آبسرا (افسران)؛ قانونک (قانون) می زن (می زند). بدم (بعد هم)، دل بخواهی بی قانونکی (بی قانونی) می کن!!! خو (خُب)، آدم می مان که با این سربازک وظیفه شناس و آش خور چ (چه) بکنه. . ."**

صدای شلیک خنده و قهقهه ی گروهان به گوش می رسد! . . .

مهدی مفتاح (چ) اولین موسیقی دان ایرانی است که به تحقیق، مطالعه، و نگارش در باره ی ساز قانون پرداخت. استاد مفتاح با تلاش های پی گیر خود توانست در رواج ساز قانون در ایران آن هم به طور رسمی و آکادمیک قدم های مؤثری بردارد. حبیب الله نصیری فر در کتاب "مردان موسیقی سنتی و نوین ایران" (۲) علت کمتر شناخته شدن افرادی چون مهدی مفتاح را "اشکال بافت فرهنگی در جامعه ما" دانسته و به درستی تشخیص می دهد که جامعه ایران: "اهل ذوق و طرب را بیشتر از اهل علم و تتبع خوش دارند." مفتاح از سال ۱۳۲۸ به یادگیری ساز قانون اقدام کرد و بعد از چند سال برای تحقیقات بیشتر در زمینه تکنیک این ساز به کشور عراق و کشورهای دیگر سفر کرد. کتاب "متد قانون و آهنگ هایی برای این ساز" حاصل زحمات و تلاش مهدی مفتاح برای پیش برد و اعتلای این ساز در ایران کنونی است. (۳)

خانم ملیحه سعیدی در سال ۱۳۵۶ در رشته ی تخصصی ساز قانون از دانش کده ی هنرهای زیبا ی دانش گاه فارغ التحصیل می شود و سرانجام در سال ۱۳۶۹ با نظر و همکاری حسین دهلوی کتاب "آموزش ساز قانون - جلد ۱" را که حاصل ۲۲ سال تحقیق در باره ی ساز قانون می باشد، به چاپ می رساند. این کتاب در همان سال در ۳۰۰۰ جلد در قطع وزیری بزرگ به چاپ رسید. در واقع، کتاب "آموزش ساز قانون - جلد ۱" اولین کتاب راهنما در زمینه ی آموزش این ساز به شمار می رود. و به گفته ی استاد حسین دهلوی جمع آوری منابع اولیه این کتاب در "شرایط نامساعدی که در اثر بمباران ها و دیگر نابسامانی های جنگ،" شکل می گیرد.

پس از گذشت دو دهه از چاپ اول، چاپ دوم این کتاب در آبان ماه سال ۱۳۸۹ در ۱۰۰۰ جلد، در قطع وزیری بزرگ (۲۹×۲۲) روانه ی بازار کتاب می گردد. چاپ دوم توأم با اندک تغییرات نوشتاری، ویرایش محدود، و با اضافه کردن متون انگلیسی اهل نظر هم راه می باشد. تغییرات ظاهری چاپ دوم بر چاپ اول کتاب از همان صفحات نخستین به چشم می خورد. برای نمونه در روی جلد، درست در گوشه ی بالای سمت چپ کتاب، عبارت "مرکز آموزش علمی - کاربردی موسیقی/ تحت نظارت دانشگاه جامع علمی- کاربردی" نمایان است. و هم چنین یک قطعه عکس ساز قانون درست در وسط جلد بیرونی کتاب، ازین بخش کتاب می باشد. و چون کتاب "آموزش ساز قانون" در چهار جلد تدوین یافته، طراح جلد کتاب، ابوذر بهشتی، به طور ابتکاری، برشی دیگری از ساز قانون را در بخش تحتانی عکس اصلی که مطابق با شماره های بعدی کتاب می باشد، اضافه کرده است. به طوری که اگر هر یک از این کتاب ها را دل بخواهی به دست بگیریم، با نگاه کردن به طرح روی جلد و دیدن تعداد عکس های ساز قانون در روی جلد کتاب، فوراً پی خواهیم برد که کدام جلد از مجموعه کتاب "آموزش ساز قانون" را در دست داریم.

تنها مزیت چاپ دوم بر چاپ اول کتاب، گنجاندن متن انگلیسی "گفته ها و نوشته ها در باره ی ساز قانون" در فصل پایانی کتاب می باشد. در واقع کتاب تبدیل به کتاب دو زبانه شده است. آن چه که جای تأسف است این است که پیش از چاپ کتاب، متن های ترجمه شده به زبان پارسی و (در یک مورد) متن ترجمه شده از زبان فارسی به انگلیسی مورد تطبیق و بررسی نهایی قرار گرفته نشده اند. و از آن روی، ترجمه هایی اشتباه و غلط اندر غلط ارایه شده اند. علاوه بر آن، رعایت دستور زبان و نکات مربوط به نگارش زبان پارسی و زبان انگلیسی در متن ها و استانداردهای موجود آکادمیکی در این کتاب به چشم نمی خورد. با در نظر گرفتن مطالب فوق، بی شک برای یک خواننده معمولی، این پرسش پیش خواهد آمد که وجود و نقش مترجم ها و ویراستاران گوناگون در این کتاب از برای چیست؟! روی هم رفته، چاپ دوم کتاب "آموزش ساز قانون- جلد ۱" نسبت به چاپ اول تا حدودی توانسته است، به طبقه بندی مطالب موجود در کتاب بپردازد. برای نمونه، چاپ دوم کتاب به جای کلی گویی؛ موضوعات اصلی یک به یک در "فهرست مطالب" درج شده است. بدین ترتیب، علاقه مندان به فراگیری ساز قانون با رجوع به "فهرست مطالب" می توانند موضوعات مورد نظر خود را دنبال کنند. "فهرست مطالب" کتاب "آموزش ساز قانون- جلد ۱" به هشت قسمت تقسیم شده است:

- ۱ - مقدمه ناشر، بیوگرافی مؤلف، مقدمه مؤلف، و مقدمه استاد حسین دهلوی ص ۷ تا ۱۶ (این صفحات شماره گذاری نشده اند.)
- ۲ - در باره ساز قانون، ترجمه ی متون اهل نظر ص ۱۷
- ۳ - توضیحاتی در باره مشخصات اجرایی ساز قانون ص ۲۸
- ۴ - آشنایی با خط موسیقی ص ۳۳
- ۵ - تمرین ها و آهنگ ها ص ۳۸
- ۶ - مشخصات دیگر ساز قانون ص ۱۲۴
- ۷ - توصیه هایی به هنرجویان ص ۱۲۸
- ۸ - منابع و مأخذ اصلی متن های انگلیسی ص ۱۶۳

به طور کلی، می توان کتاب را به سه شاخه ی اصلی تقسیم بندی کرد. در نتیجه این تقسیم بندی آن چه که پیش روی خواهیم داشت، بدین ترتیب خواهد بود:

۱- بخش اطلاعات عمومی و تاریخی مربوط به ساز قانون،

۲- بخش آشنایی با خط موسیقی، تمرین ها و آهنگ ها، و

۳- بخش کتاب نامه های اصلی متون انگلیسی.

هم اکنون، کتاب "آموزش ساز قانون - جلد ۱" در سطح کل کشور ایران به عنوان کتاب آموزشی و پایه ای در آموزش گاه ها و مراکز تدریس موسیقی مورد استفاده قرار می گیرد. به طور مشخص، موضوع اصلی این نوشته، فقط و فقط در حول وحوش بخش اول و بخش سوم، یعنی "بخش اطلاعات عمومی و ترجمه اطلاعات تاریخی مربوط به ساز قانون" و "بخش کتاب نامه های اصلی متون انگلیسی" است. در این نوشته می کوشم تا از طریق روش به کار گیری فن و هنر ترجمه و با استناد به منابع اصلی، به کالبد شکافی متون ترجمه شده پرداخته، و سپس به اثبات می رسانم که مفاهیم بخش عظیمی از واژه های کلیدی ترجمه شده در کتاب "آموزش ساز قانون" برای هنرجویان و عاشقان فراگیری این ساز، کاملاً اشتباه و گمراه کننده می باشند. از این جهت، نوشته ی حاضر کوششی است در جهت شفاف سازی و برشمردن نکات مورد نظر. لازم می دانم پیش از پرداختن به مبحث اصلی این نوشته، ابتداء و ضرورتاً در باره ی موضوعاتی که در پیرامون بیوگرافی مؤلف، مقدمه مؤلف، و مقدمه استاد حسین دهلوی نگاشته شده است، پرداخته؛ و سپس به مبحث اصلی این نوشته خواهیم پرداخت.

بیوگرافی مؤلف: - در چاپ اول کتاب اثری از "بیوگرافی مؤلف" به چشم نمی خورد. ولی در چاپ دوم پس از "مقدمه ناشر"، "بیوگرافی مؤلف" به حجم کتاب اضافه شده است. بیوگرافی مؤلف در یک صفحه و نیم نوشته شده (ص ۱۰)، و متأسفانه، مشخص نیست که نویسنده ی متن بیوگرافی مؤلف چه کسی است. به هر روی، در همان نگاه اول آن چه که خواننده حرفه ای را جا به جا شگفت زده می کند، طرح اغراق آمیز، غیر واقعی، و بدعتی که در آغاز کتاب آورده شده است، می باشد. نویسنده ی بیوگرافی مؤلف، آگاهانه و یا ناآگاهانه ادعا می کند:

خصوصاً نوازندگی (ساز قانون) با شیوه ی ده انگشتی از ابداعات ایشان (ملیحه سعیدی) می باشد.

به لحاظ تاریخی آنانی که پیوسته در مسیر تکامل یافتن ساز قانون چه در ساختمان و چه به لحاظ شیوه ی نواختن ساز، موضوع را تجسس و پی گیری کرده اند، آگاهند که شیوه ی ده انگشتی نواختن ساز قانون، دهه ها است که در کشور همسایه ی غربی ایران (ترکیه) رواج داشته است. و شیوه ی ده انگشتی نواختن ساز قانون در میان کشورهای عربی زبان، کشور مصر (ولی نه به شدت ترکیه) مرسوم بوده است. گذشته از آن، شیوه ی ده انگشتی نواختن ساز قانون نیز در برخی از کشورهای خاور دور و نزدیک، به توسط نوازندگان طراز اول این ساز به کار گرفته شده و می شود. به طور میانگین و برای نمونه، در طول ۵۰ سال گذشته، نوازندگان ساز قانون در کشور ترکیه که مهد گسترش شیوه ی ده انگشتی نواختن ساز قانون می باشد، تا کنون حتی یک تن از نوازندگان طراز اول ساز قانون که برخی از آنان هم اکنون در قید حیات می باشند، ادعا نکرده اند که شیوه ی ده انگشتی نواختن ساز قانون از ابداعات آنان می باشد. خوش بختانه با مراجعه و خواندن شرح و احوال قانون نوازان طراز اول نسل قدیم، میانه، و جدید کشور های ترکیه، مصر، سوریه، عراق، و فرانسه مانند: [Erol Deran](#)، [Ahmet Meter](#)، [Gültekin Aydoğdu](#)، [Ihsan Özer](#)، [Halil Karaduman](#)، [Mehmet Dönmez](#)، [Hakan Güngör](#)، [Göksel Baktagır](#)، [Prof. Ruhi Ayanıl](#)، [Jamil M. Al-](#)، [Asadi](#)، [Nabil kassis](#)، [Julien Jalal Eddine Weiss](#) و و و . . . پی خواهیم برد که تا کنون هیچ یک ادعا نکرده اند، شیوه ی ده انگشتی نواختن ساز قانون از ابداعات آنان می باشد. بعلاوه، بنا به شواهد بسیار فراوان در ده کده ی جهانی (اینترنت) و وجود کلیپ صدها مصاحبه با نوازندگان برجسته ی نسل های پیشین و کنونی ساز قانون در یوتیوب، پی خواهیم برد که روش و شیوه ی ده انگشتی نواختن ساز قانون مختص به ابداع یک فرد نبوده و نیست. از این جهت، با مطالعه دقیق تاریخ سیر تحولی نوین این ساز از دوره ی امپراطوری عثمانی تا به کنون نشان می دهد، روش و شیوه ی ده انگشتی نواختن ساز قانون در یک روند تاریخی و در طول زمان به این مرحله از تکامل رسیده است. این که نویسنده ی "بیوگرافی ملیحه سعیدی" بی جهت می کوشد، شیوه ی ده انگشتی نواختن ساز

قانون را به ایشان منسوب کند، شیوه ای است اغراق آمیز، مخرب و صد در صد انحرافی که به دور از واقعیات تاریخی موجود می باشد. بنابراین، گنده گویی و ادعای مضحک نویسنده ی "بیوگرافی ملیحه سعیدی" را، از بیخ و بُن، بی پایه و اساس دانسته، و همواره طرز استفاده از این گونه تبلیغات گمراه کننده، و تلقینات باسمة ای را نادرست و مردود می دانم.

مقدمه مؤلف: - آن چه که ناشر در چاپ دوم، و در معرفی مقدمه مؤلف مدّ نظر داشته است، ظاهراً ویرایش کتاب و رعایت درست نویسی و جدا نویسی واژگان زبان پارسی می باشد. مسئولیت ویرایش کتاب "آموزش ساز قانون" به مانا یاد پرویز منصوری سپرده می شود. حال اگر به تطبیق و مقابله واژه به واژه، سطر به سطر، پاراگراف به پاراگراف، صفحه به صفحه چاپ اول و دوم کتاب بپردازیم، ویراستاری پرویز منصوری به همان چند صفحه اول کتاب محدود می شود. و بقیه صفحات کتاب، هم چنان دست نخورده به حال خود رها شده است. نمونه های زیر بخش کوتاهی از واژگانی هستند که در چاپ اول بهم چسبیده و در چاپ دوم جدا از هم نوشته شده اند. مانند واژگان: همجوار/ هم جوار، اینکه/ این که، آنکه/ آن که، آنجا/ آن جا، شیوه/ شیوه ی، پایه/ پایه ی، تاریخچه/ تاریخ چه، تغییر دهنده/ تغییر دهنده ی، قانونهای/ قانون های، تمرینها/ تمرین ها، دوباره ایرانی کردن/ دو باره ایرانی نواختن ساز. می توان نوشت، با وجود این ویرایش ها، ویراستاری پرویز منصوری در چاپ دوم کتاب از انسجام و یک دستی درست برخوردار نیست. در پاراگراف پایانی بخش مقدمه مؤلف آمده است:

لازم می دانم از . . . زنده یاد دکتر محمدتقی مسعودیه (استاد راهنمایم در دانشکده موسیقی) به خاطر کمک های بی دریغشان در تهیه تاریخچه این ساز، یادی نمایم. . . . و همچنین از همسرم زنده یاد استاد **احمد ستوده**، آقای **پرویز باوفا** و خانم **سیرانوش بازایل** که قسمت هایی از تاریخچه ساز قانون را، از مأخذ اصلی ترجمه کرده اند. . . . سپاسگزارم.

مقدمه استاد حسین دهلوی: - مقدمه استاد حسین دهلوی در چاپ دوم نیز مشمول ویراستاری شده است. برای نمونه: سالهای/ سال های، همکاری/ هم کاری، آرمانهای/ آرمان های، پیشبرد/ پیش برد، دستمایه/ دست مایه، مشورت/ مشورت های، نوت/ نت، حتی/ حتّا، همچنین/ هم چنین، مضاربها و تکنیکهای/ مضارب ها و تکنیک ها و الخ.

در متن مقدمه استاد دهلوی می خوانیم:

بی شک هر گام نخستین به سبب ناشناخته بودن با مشکلات روبروست. از جمله نبودن نشانه های اختصاصی ساز قانون (به ویژه در زمینه اجرای موسیقی ایرانی) به دلیل نداشتن سابقه در خط بین المللی موسیقی؛ خود یکی از مشکلات ما بود که در مجموع برای مطالعه و ابداع آن ها، زمان قابل ملاحظه ای صرف شد. . . ملاحظه می شود که حتی برای دست یابی به یکی از ابتدایی ترین نشانه ها ما باید مدتی وقت صرف کنیم.

اگر تعارفات شابدالعظیمی را کنار بنهیم، باید از استاد حسین دهلوی پرسید، این "وقت صرف کردن" های بیهوده، در نتیجه بی توجهی شمایان به اطرافتان بوده و می باشد. با توجه به "شرایط نامساعدی که در اثر بمباران ها و دیگر نابسامانی های جنگ"، اگر شمایان پیش و پس از زمان جنگ، فقط اندکی توجه اتان را به کشورهای همسایه جلب می کردید، شاید دیگر لازم نمی بود وقت گرانبایان را صرف "دست یابی به یکی از ابتدایی ترین نشانه ها" برای ساز قانون بکنید! دهه هاست کشور هایی مانند: مصر، تونس، سوریه، عراق، فرانسه، اسرائیل، آلبانی، ازبکستان، ارمنستان، و به ویژه کشور ترکیه مسئله "نشان" های مورد نیاز ساز قانون را حل کرده اند. و به طور بسیار چشم گیر و بسیار جدی ساز قانون را به عنوان ساز پایه ای در ارکستر ملی کشورشان به کار گرفته و می گیرند. پرسش اساسی این است، راه بس طولانی ای که دهه هاست آنان پشت سر گذارده اند، چرا باید دوباره بیهوده و بی جهت طی کرد؟! شاید با استفاده از "نشان های اجرایی" به کار گرفته شده ی نوازندگان ساز قانون آن کشورها بشود در جهت "هم گون کردن" (To standardize) ، به یک زبان واحد بین المللی در موسیقی دست یافت. و اگر خود محوری به کنار نهاده شود، این کار شدنی است. منتها، از دیدگاه این قلم، این مهم نیاز به کمی مطالعه عمیق و سعه صدر دارد!

بخش اطلاعات عمومی و تاریخی، و بخش منابع و مآخذ اصلی متون انگلیسی مربوط به ساز قانون.

در کتاب "آموزش ساز قانون- جلد ۱" ترجمه ی فارسی اطلاعات مربوط به ساز قانون از سمت چاپ کتاب، از صفحه ۱۷ آغاز شده و تا صفحه ۲۶ ادامه دارد. و سپس متون اصلی "گفته ها و نوشته ها در باره ساز قانون" که بعضاً متون اصلی و بعضاً ترجمه به زبان انگلیسی می باشند؛ درست در سمت راست کتاب (صفحات ۱۳۹ تا ۱۴۶) قرار دارند. در واقع این بخش، در برگیرنده ی بخش پایانی کتاب نیز می باشد. و به طور مشخص، تنها به یک و یا دو مورد آن هم از هر یک از هشت "بخش اطلاعات عمومی و ترجمه اطلاعات تاریخی مربوط به ساز قانون" می پردازم. بنابراین، کُل مطالب فارسی "گفته ها و نوشته ها در باره ساز قانون" را می توان به دو بخش کوتاه و بلند تقسیم کرد.

بخش کوتاه: - این بخش، شامل یک صفحه بوده (صفحه ۱۷) که به طور بسیار کوتاه در شش مورد به تعریف و "مفاهیم گوناگون" و هم چنین به ریشه یابی واژه ی قانون (و نه الزاماً ساز قانون) می پردازد. یک مورد از آن تعاریف، عبارتی است ترکیبی! سه مورد دیگر تک جمله ای. و دو مورد پایانی را دو پاراگراف کوتاه ولی مجزا از هم تشکیل می دهند. در بخش کوتاه، فقط به مورد شماره ی ۶ پرداخته، و عیناً پاراگراف اصلی را به همراه پاراگراف ترجمه شده، و توأم با ذکر منابع نوشته شده در کتاب را آورده، و سپس به بررسی نکته ی مورد نظر می پردازم.

(تغییر رنگ اعداد و واژه ها به رنگ قرمز، مؤکداً از من است):

6) Kanun (Qanun): an Arabic name for an instrument like psaltery with the shape of a trapezoid with many strings (64 strings in the 14 century). This word in old Greek (written as Kanun) was a name for monochord which is a system used in acoustic studies and experiments. This word also appeared in Arabic poetry of the 10th century. Later, it was taken to Europe (probably in the 11th century). – P: 139

Kanun (۶) qanun نام عربی برای سازی شبیه به پسالتری به شکل دوزنقه و با تعداد زیادی سیم است (۶۴ سیم در قرن ۱۴). این کلمه در یونان قدیم (به این شکل Kanun) به معنای مونوکورد به کار می رفته و آن دستگاهی است که در آزمایشگاه صوت شناسی مورد استفاده قرار می گرفته است. نام قانون در اوایل قرن دهم میلادی در کتاب شب های عرب آمده است. این ساز بعداً به اروپا برده شد (احتمالاً در قرن یازدهم) ۵

- 1 Chambers Twentieth Century Dictionary
- 2 Chambers Twentieth Century Dictionary
- 3 Aprl, Willi, Harvard Dictionary of Music Cambridge Massachusetts 1970
- 4 Canon 2 Grove's Dictionary of Music and Musicians
- 5 Harvard Dictionary of Music

جمله ی آغازین مورد شماره ی ۶، به سازی شبیه "پسالتری - Psaltery" اشاره دارد. باید توجه داشت برای هنرجویی که این واژه به گوشش نخورده است و برای اولین بار آن را از روی کتاب می خواند و یا به اصطلاح در "مرکز آموزش علمی - کاربردی موسیقی/ تحت نظارت دانشگاه جامع علمی- کاربردی"، تدریس می شود، و یا مدرّسین کنونی ساز قانون در ایران، طوطی وار آن واژه، و واژه های مشابه را بی اندکی تعمق، تفکر، و تفحص برای هنرآموزان تکرار می کنند، نباید انتظار داشت که آن هنرجویان به طور خودکار به رفع ابهام بپردازند. و از آن روی می توان، به راحتی سنجید که نسل های بعدی رَه به کجا خواهند برد!

برای آغاز بحث و شکافتن موضوع مورد نظر، حال اگر به زبان انگلیسی از دانش جویی که در رشته ی "روان شناسی" مشغول تحصیل است، پرسیده شود که در چه رشته ای ادامه تحصیل می دهد؟ پاسخ او یقیناً به زبان انگلیسی گفتاری چنین خواهد بود: "سایکولوژی" = /sar'kplə'dʒi/ = Psychology، و نه "پسیکولوژی!" و در این واژه نیز، نشان تکیّه نخستین (stress) بر روی حرف /'k/ می باشد.

پرسش این است که در دستور زبان انگلیسی و با پشتوانه از علم "آوا شناسی" (Phonetics) به چه دلیل، این تفاوت در گفتار و نوشتار (زبان انگلیسی) وجود دارد؟

در زبان انگلیسی و از نظر علم آوا شناسی، حرف "P" جزو حروف صامت و بندشی (Plosive) نیز است. حرف "S" نیز جزو حروف صامت و در علم آوا شناسی جزو صداهای "صفیری - Sibilant" تلقی می گردد. در دستور زبان انگلیسی قاعده بر آن است که هرگاه حرف "P" در آغاز واژه ای قرار بگیرد و حرف بعد از آن حرف "S" واقع شود، حرف "P" نوشته می شود، ولی در گفتار تلفظ نمی شود. بنابراین، با در نظر گرفتن و به کار بستن قاعده ی فوق، در هنگام گفتار، تلفظ این واژه: Psaltery = "سالتری" درست است، و نه "پسالتری". مضافاً، در فرهنگ وبستر تلفظ واژه Psaltery به کمک "نشان های بین المللی آوا شناسی - IPA" و اصطلاحاً با خط آوا نویسی (Phonetic Transcription) این گونه ضبط شده است: \ 'säl-t(ə)-rē, 'söl-. Noun. و هم چنین در این واژه، نشان تکیه نخستین (stress) بر روی حرف / 's/ قرار می گیرد. در این جا تلفظ آمریکایی واژه مورد نظر است، و نه تلفظ های کانادایی، انگلیسی بریتانیایی، استرالیایی، و غیرو.



ساز قانون به همراه سازهای سالتری (در زبان روسی، نام این ساز گوسلی است).



یکی از انواع سازها شبیه به ساز سالتری

آخرین جمله ی پایانی مورد شماره ی ۶ این گونه ترجمه شده است:

This word also appeared in Arabic poetry of the 10th century. Later, it was taken to Europe (probably in the 11th century). – P: 139

نام قانون در اوایل قرن دهم میلادی در کتاب شب های عرب آمده است. این ساز بعداً به اروپا برده شد (احتمالاً در قرن یازدهم) ۵

در ترجمه ی بالا اشتباهاً "شعر عرب - Arabic Poetry" به "شب های عرب" که ترجمه ی واژه به واژه ی Arabian Nights می باشد، ترجمه شده است. در حالی که همیشه اهل فن، اصطلاح داستان های "هزار و یک شب" (ح) را معادل Arabian Nights به کار می برند. نکته این جاست که چگونه مترجمین محترم آقایان احمد ستوده، پرویز باوفا، و خانم سیرانوش بازیل (خ) در هنگام ترجمه آن پاراگراف، دقت کافی نداشته اند که جلوی هم چنین اشتباهات پیش پا افتاده را بگیرند؟! و از همه بدتر وقتی کتاب "آموزش ساز قانون - جلد ۱" پس از گذشت دو دهه بازپخش می شود، مؤلف (ملیحه سعیدی) و مترجم و ویراستار بخش انگلیسی کتاب، علی ادیب راه به بازبینی و تصحیح پاراگراف ها نمی پردازند. و در نتیجه، کتاب با همان محتوای غلط اندر غلط و دست نخورده، دو باره روانه ی چاپ خانه شده و به دست چاپ سپرده می شود!

منابع (Bibliography) ذکر شده ی بالا که در صفحه ۱۷ کتاب آمده است، نامشخص، مغشوش، و کاملاً درهم و برهم می باشد. در واقع، جای اصلی منابع بالا در پانویشت متن انگلیسی (P: 139) کتاب نیز هست. از این منظر، جای بسیار تأسف است که مترجمین حتا از رعایت کردن پیش پا افتاده ترین اصول، موازین، و استاندارد های آکادمیک موجود که چاپ

اکثر کتاب های جهان امروز بر آن استوار بوده و پس از بررسی نهایی به زیور چاپ سپرده می شود، سر باز زده اند. بیشتر دانشگاه ها و کالج های دنیای کنونی، تقریباً به یکی از دو روش زیر: کمیسیون جامعه مدرن زبان - شیوه ی ام ال ای (MLA) و یا شیوه نامه ی شیکاگو ([The Chicago Manual of style](#)) برای ارایه ی پایان نامه ها، عمل می کنند.

با نوشتن فقط عنوان مرجع، آن هم به این شکل "Chambers Twentieth Century Dictionary¹" برای محقق، خواننده، و هنرجو، جزء سر در گمی، ارمغانی ندارد. به دلیل این که آن منابع از زمان چاپ اول تا به حال، بیش از ده ها مرتبه تصحیح و تجدید چاپ شده اند. به طور مشخص پرسش این است که محقق، خواننده، و هنرجو از کجا بدانند، مرجع مورد نظر مؤلف و مترجمین کدامین یک از آن چاپ ها بوده است؟! از این منظر، کتاب "آموزش ساز قانون- جلد ۱" به هیچ وجه، قادر به پاسخ گویی حتماً ابتدایی ترین پرسش ها نیست.

- این بخش از کتاب، از صفحه ۱۸ تا صفحه ۲۵، اختصاص به ترجمه ی "گفته ها و نوشته ها در باره ساز قانون" دارد. در این بخش نام هشت تن نظریه پرداز و محقق این ساز به ترتیب زیر چشم می خورد:

۱- عبدالقادر بن غیبی الحافظ المراغی (ص ۱۸) P: 140 Abdolghaderibn-e-qeybalhafez Aamaraghi¹

از همان آغاز جمله ی نخستین، خواننده ی کتاب پی می برد که مؤلف، مترجم، و مترجمین کوچک ترین الطفاتی به رعایت کردن نکات دستور زبان فارسی و زبان انگلیسی ندارند. و تاییست صفحات کتاب هم به پیروی از آنان ندانسته و کورانه به سنبُل بندی کردن پرداخته است. در تایپ کردن واژگان زبان های دنیا، مرسوم است پس از نوشتن یک واژه، یک فاصله (Space) گذاشته می شود و سپس واژه ی بعدی را می نویسند. برای نمونه در چاپ دوم کتاب "آموزش ساز قانون - جلد ۱"، سر تیر مورد اول، بدون فاصله گذاری نادیده گرفته شده است. و نام کمال الدین ابوالفضایل عبدالقادر بن غیبی الحافظ مراغی (د)، تقریباً چسبیده و بدین شکل - عبدالقادر بن غیبی الحافظ مراغی -، و بدون فاصله به هم نوشته شده اند. در مقایسه چاپ دوم با چاپ اول کتاب، فاصله گذاری در چاپ اول، تا حدودی رعایت شده است.

متأسفانه در هنگام خواندن متن ترجمه شده انگلیسی، به راحتی می توان ناتوانی مترجم را در تبدیل کردن تاریخ سال های هجری (شمسی) به تاریخ میلادی مشاهده کرد. جمله ی آغازین کتاب در بخش مورد نظر چنین نوشته شده است:

[تاریخ تولد وی بین سال های ۷۵۰-۸۶۰ هجری و وفات او به سال ۸۳۸ می باشد. . .]

در متن ترجمه شده به زبان انگلیسی علی ادیب راد (مترجم) تاریخ های داده شده را چنین تبدیل کرده است:

Almaraqi was born between 1350-1359 A.D. and died in 1434 A.D

در تاریخ پیدایش مسیحیت، تولد مسیح را آغاز سال میلادی ملاک قرار می دهند. و بنا به روایات اسلامی، تاریخ تولد محمد (پیامبر مسلمانان جهان) را مبناء ی تاریخ اسلام قرار نمی گیرد. نکته ی کلیدی در این جاست که مسلمانان بر خلاف مسیحیان، روز تولد محمد را مبناء ی تاریخ خود قرار نمی دهند. گفته می شود، تاریخ اسلام از زمانی است که محمد از مکه به مدینه هجرت می کند. و در نتیجه، آن روز مبدأ تاریخ اسلام قلم داد می شود. به طور کلی، برای تبدیل کردن سال هجری خورشیدی به سال میلادی، چنانچه روز مورد نظر بین اول فروردین تا ۱۰ دی باشد عدد ۶۲۱؛ و چنان چه روز مورد نظر بین ۱۱ دی تا آخر اسفند ماه باشد، عدد ۶۲۲ را به سال هجری خورشیدی می افزاییم تا سال میلادی به دست بیاید. با توجه به توضیحات بالا، برای برگرداندن تاریخ تولد و موت المراغی به سال میلادی، اگر عدد ۶۲۱ را ملاک قرار بدهیم و این عدد را به تاریخ تولد و وفات وی بیفزاییم، نتیجه به دست آمده چنین خواهد بود:

$$750 + 621 = 1371$$

$$860 + 621 = 1381$$

$$838 + 621 = 1459$$

حال اگر این ارقام به دست آمده را با آن چه که علی ادیب راد، در بالا، به سال میلادی برگردانده است مقایسه کنیم؛ مشاهده خواهیم کرد، نتایج به دست آمده؛ هر دو یکی نیست. علی ادیب راد، مترجم بخش انگلیسی کتاب، برای تبدیل کردن تاریخ تولد المراغی یک بار عدد ۶۰۰، بار دیگر عدد ۵۹۹، و در تبدیل کردن تاریخ وفات وی عدد ۵۹۶ را ملاک قرار داده است! شایان ذکر است از آن جایی که روز تولد المراغی در تاریخ درست ثبت نشده است؛ تاریخ نویسان، به طور تقریبی، فقط به سال تولد وی اکتفاء کرده اند. آن چه که در باره ی کتاب "آموزش ساز قانون – جلد ۱" قابل ذکر است، اطلاعات داده شده مربوط به کمال الدین ابوالفضایل عبدالقادر بن غیبی الحافظ مراغی، از کتاب "مقاصد الالاحان" (۴) بر گرفته شده است. بدیهی است، بحث اساسی در مورد بالا و به طور کوتاه، فقط به روش تبدیل کردن سال های ۵. ش. به سال میلادی و بالعکس مورد نظر می باشد.

H. G. Farmer P: 140

۲- هنری جورج فارمر (ص ۱۸)

در صفحه ۱۴۰ در متن انگلیسی شرح و حال مربوط به **هنری جورج فارمر** نوشته شده است:

In 1964, he was a music professor in Cairo. P: 140, L: 3

جمله فوق ترجمه شده است: "سال ۱۹۴۶ استاد موسیقی در دانشگاه قاهره بود." در این جمله ساده، به راحتی می توان به ۲۰ سال از حاتم بخشی مترجمین محترم (احمد ستوده، آقای پرویز باوفا و خانم سیرانوش بازایل) پی برد! در پاراگراف دوم این مبحث که به زبان انگلیسی نوشته شده است، می خوانیم:

He wrote: "The shape of the four-sided **Psalterium** (figure 2) is seen in the book of instruments' shape."

مترجمین مورد نظر، جمله ی بالا را چنین به زبان فارسی برگردانده اند:

هنری جورج فارمر چنین می نویسد: شکل **پسالتیریوم** (تصویر ۲) نیز در همان کتاب خطی کشیده شده که شکل سازها در آن آمده است. . . .

در صفحه ۷ توضیح داده شد که واژه ی سالتیری (Psaltery) در زبان انگلیسی چگونه تلفظ می شود. و به همان ترتیب و به طور خلاصه، تلفظ درست این واژه ی **psalterium** = \-sä-l-'tir-ē-əm, söl\، **سالتیریوم** است و نه **پسالتیریوم**.

Kurt einhard P: 142

۳- کورت راینهارد - ص ۲۰

در صفحه ۲۰ کتاب "آموزش ساز قانون - جلد ۱" در بخش "گفته ها و نوشته ها" به نظرات **کرت رین هارد**، ایتنوموزیکولوگ (موسیقی شناس قومی) آلمانی، پرداخته است. مترجمین (احمد ستوده، آقای پرویز باوفا و خانم سیرانوش بازایل) این بخش، در اثر برداشت مفهومی غلط از یک واژه انگلیسی و تحقیق نکردن و نشکافتن یک واژه ی کلیدی در متن که مربوط به ساز به خصوصی است، ترجمه ای غلط به خواننده ی فارسی زبان ارایه می دهند. در صفحه ۱۴۲، در متن انگلیسی، جمله آغازین پاراگراف نوشته شده است:

Qanun has been a type of **Cythare**, an instrument that has a trapezoid-like body. P: 142

جمله ی فوق را مترجمین بالا چنین به زبان فارسی ترجمه کرده اند:

قانون یکی از انواع **سیتار** بوده، سازی است که ضلع سمت راست عمود بر دو قاعده کوچک و بزرگ و ضلع چپ آن مایل به این دو قاعده است. ص ۲۰

بی شک در این بخش، باید دید اشکال ترجمه ی بالا در کجاست و مترجمین چگونه بدون کندوکاو دچار این اشتباه فاحش شده اند؟!

بحث اساسی بر سر واژه ی ساز **سیتَر** (گاهاً سیتَر تلفظ می شود). **Cythare** /'si-thə-'rē-ə/ و ترجمه ی غلط آن واژه به ساز **سیتار** **Sitar** /si-'tär, si/ می باشد. از این منظر، با نگاهی کوتاه به شکل نوشتاری هر دو واژه، به راحتی می توان پی برد که حتی شکل نوشتاری هر دو واژه در زبان انگلیسی یکی نیست. و به لحاظ گفتاری و با مراجعه به فرهنگ تلفظ در زبان انگلیسی هر دو واژه کاملاً متفاوت از یک دیگر هستند. گذشته از مبحث واژه شناسی در زبان انگلیسی، این دو ساز (ساز سیتَر و ساز سیتار) حتماً از نظر شکل ظاهری هم شباهتی با یک دیگر ندارند.

در مورد پیدایش ساز سیتار می توان نوشت: "امیر خسرو دهلوی از ازدواج بین ساز **سیتار** /سه تار ایرانی و **ساز وینای** جنوب هند؛ ساز **سیتار** /سی تار - **Sitar** - را در قرن هفدهم (۱۷۰۰) ابداع می کند. و متعاقباً این ساز در دربار سلسه گورکانی از آن زمان تا به کنون در هندوستان و جهان امروز جایگاه ویژه ای می یابد. ساز **سیتار** /سی تار در طبقه بندی سازهای زهی زخمه ای قرار می گیرد." (ذ) به طور کلی، بر اساس طبقه بندی سازها، و طبق نظریه اریک موریتز وان هورن بوستل (Erich Moritz von Hornbostel - 1877 - 1935) و کرت سکش (Curt Sachs - 1881 - 1959) سازهای سیتَر، قانون، و سیتار و زیتَر (zither /zith'ər/) در گروه سازهای زه صداها (سازهای زهی ضربایی و آرشه ای - کُردوفون - Chordophone) قرار می گیرند. (ج)



آنوپاما بهگوات - سیتار - **Sitar** (انگلستان - هند) **Anupama Bhagwat**



یکی از انواع سازهای سیتَر **Cithara**

در زبان انگلیسی این واژگان **Cytharea**، **Citharea**، **Kithara**، **Qithara**، که با حروف گوناگون نوشته می شوند، دقیقاً همان مفهوم واژه ی ساز سیتَر **Cythare** را می رسانند. هم اکنون، در زبان انگلیسی شکل نوشتاری واژه ی ساز سیتَر این گونه نوشته شده **Cithara** = /sith'ər-ə/ و یا /'siθər ə/ و بدین شکل مورد استفاده قرار می گیرد.



نمونه ای دیگر از ساز سیتَر **Cithara**

در ادامه ی بخش پیشین، بی دقتی مترجمین، فقط در مورد واژه ی مورد نظر نیست. از نظر روند تاریخی پیدایش و اختراع سازها، ادامه ترجمه ی صفحه ۲۱، دیگر ترجمه نیست؛ واقعاً شاه کار در ترجمه است!!!

Some maintain that Farabi is the inventor of this instrument, while others say that it dates back to Khorasan and it was found in the 13th century in Musel [present Iraq], though none can defend their claim on the grounds of any reason. **The fact is that in eastern classical culture there is no sign of Cythare family and the root of Qanun, like many other instruments, is shadowed by lack of knowledge.**

"عه ای معتقدند که مخترع این ساز فارابی است و برخی دیگر می گویند منشأ آن خراسان بوده و در قرن سیزدهم (میلادی) در موصل پیدا شده، هر چند هیچ یک از نظر دهندگان دلیل بر ادعای خود ندارند. واقعیت این است که در فرهنگ کلاسیک شرق، ردی از سازهای خانواده **سیتار** پیدا نشده و سر منشأ قانون نیز، مانند سرچشمه بسیاری از سازهای دیگر، تاریک مانده است."

به راستی و به لحاظ تاریخ پیدایش سازها از مفهوم جمله ی ترجمه شده ی فارسی بالا، چه تعبیری می توان داشت؟ وقتی که یک کتاب آموزشی در نظام منحوس و متحجر جمهوری اسلام ایران و آن هم در سطح کل کشور ایران تا این حد تنزل بیابد، به راستی به غیر از انتخاب واژه ی فاجعه، چه واژه ی دیگری می تواند زیبنده ی آن کتاب باشد؟ اگر این فاجعه نیست، پس چیست؟

Simon Jargy

۴- سیمون ژارژی ص ۲۱

آن چه که در بخش انگلیسی کتاب پرسش برانگیز است، حذف کامل متن انگلیسی نوشته ی سیمون ژارژی (Simon Jargy) می باشد. **و مشخص نیست که چرا و به چه دلیل متن انگلیسی در این بخش کاملاً حذف شده است.**

در متن ترجمه شده به زبان فارسی، سیمون ژارژی اشاره ای به ساز سِتر (Cythare) دارد، و مترجمین دوباره به تکرار اشتباه فوق الذکر و ترجمه ی غلط این واژه به ساز سیتار (Sitar) پرداخته اند.

Habib Hassan Touma P: 142

۵- حبیب حسن توما / ص ۲۱

Whenever payer needs to chane Maqam, he lowers or raises thte **keys** by his hand and performs on the instrument by his right hand at the same time." P: 143, L: 9.

"هرگاه نوازنده بخواهد در مقامی دیگر بنوازد، با دست چپ **کلید**ها را بالا پایین می برد و در همین حال با دست راست روی سیمها می نوازد" ص ۲۲

مترجمین در ترجمه ی فارسی جمله فوق دقت نداشته اند که متن مورد ترجمه در باره ی علم موسیقی است. و به لحاظ علم و هنر ترجمه ضرورت دارد که در هنگام ترجمه از معادل واژگان جا افتاده ی همان علم مورد نظر استفاده کنند. برای نمونه در این بخش در برابر واژه ی انگلیسی "key" واژه ی "کلید" را که جنبه عام دارد، در ترجمه ی متن به کار گرفته اند. در حالی که مترجمین می توانستند به جای انتخاب واژه ی "کلید" از واژه ی "پرده گردان" استفاده کنند. زیرا همان طور که در پانویشت صفحه ۲۶ کتاب آورده شده است، واژه ی پرده گردان **(نه به مفهوم امروزی واژه)** در اشعار فارسی قُدا نیز به کار گرفته شده است. و چون هم اکنون ساز قانون به لحاظ علمی، فنی، و حرفه ای دارای پرده گردان های بی شماری است، به کار گیری اصطلاح **پرده گردان** می تواند مقصود را به طور روشن و شفاف به هنرجو، شنونده، و بیننده برساند. مولانا جلال الدین محمد بلخی در دیوان شمس تبریزی (غزلیات)، اصطلاح پرده گردان را در مطلع غزل زیر چنین آغاز می کند:

هین که رسید از فلک آواز نو

پرده بگردان و بزَن ساز نو

و یا **خواجه حافظ شیراز** در مقطع غزل "یاد باد آن که ز ما وقت سفر یاد نکرد . . ." اصطلاح پرده گردان را به کار می برد.

که بدین راه بشد یار و ز ما یاد نکرد

مطربا پرده بگردان و بزن راه عراق

جا دارد نوازندگان ساز قانون، اصطلاح پرده گردان را به جای واژه ی "کلید" و یا "مندال" و یا هر واژه ای دیگر به هنرجویان خود بیاموزند. به کار گیری واژه پرده گردان در تمرینات روزمره، هنرجویان را خواه ناخواه به ارزش های معنوی و ریشه های فرهنگی اشان پیوند می دهد.

حبیب حسن نوما می نویسد: "فارابی این ساز را هزار سال پیش، به صورت ۴۵ سیمی اختراع و در کتاب خود "الموسیقی الکبیر" بیان کرده است. و چون هر کتاب آموزشی ای در باره ی ساز قانون به نحوی در رابطه با ابو نصر فارابی قرار می گیرد؛ هم اکنون، ضرورت دارد که در پانوشته به ترجمه ی فارسی آن اشاره شود. شایان ذکر است، کتاب "موسیقی کبیر فارابی" در سال ۱۳۷۵ به زبان فارسی ترجمه شد. (۵)

Khachatur Audisiyan P: 143

۶ - خاچاطور آودیسیان / ص ۲۳

مترجمین، کل مطالب صفحه ۲۳ کتاب "آموزش ساز قانون- جلد ۱، را به اصطلاح از مقدمه کتاب دستور قانون "آودیسیان" به قلم ن. تهمیزیان عاریه گرفته اند.

حال اگر در موتور جست و جو گر گوگل، نام و نام فامیلی **خاچاطور آودیسیان - Khachatur Audisiyan** را یک بار به زبان فارسی و بار دیگر به زبان انگلیسی تایپ کنیم، محال است که مطلبی دست گیرمان شود. و هم چنین، در آخرین خط پایان صفحه اشاره شده است که "مقدمه کتاب دستور قانون به قلم **ن. تهمیزیان**" می باشد. حال اگر نام **ن. تهمیزیان** و سپس نام **پاستوس بوزاند**، و **گ. لوونیان** که در کتاب به آنان اشاره شده است را به زبان فارسی در موتور جست و جو گر گوگل تایپ کنیم، مطلقاً موردی مستقلاً یافت نخواهد شد!

پرسش این است که اشکال کار در کجاست؟ مؤلف کتاب ملیحه سعیدی، و مترجمین احمد ستوده، پرویز باوفا، سیرانوش بازیل، و در نهایت مترجم بخش انگلیسی علی ادیب راد دقت نداشته اند که پیش از چاپ، و به لحاظ تایپی به درستی نام ها در هر دو زبان بپردازند. در نتیجه، در صفحه ۲۳ کتاب در اثر اشتباه و بی دقتی به تمام اعیار آقایان و خانم ها، به نام هایی برخورد می کنیم که وجود خارجی ندارند.

در کتاب "آموزش ساز قانون- جلد ۱" نام های زیر که هر یک از آنان وزنه ی سنگینی در موسیقی ارمنستان و در دنیا به شمار می آیند، غلط چاپ شده اند. به همین منظور، ابتداء نام ها به همان نحوی که در صفحه ۲۳ کتاب چاپ شده است را عیناً تایپ کرده و سپس شکل درست آنان می نویسم.

علاوه بر ذکر نام های خاچاطور آودیسیان - Khachatur Audisiyan، پاستوس بوزاند - Pastus Buzand، در بخش ترجمه شده به زبان فارسی، ذکر فردی است به نام **هیسارلیان**. و همین نام در بخش انگلیسی کتاب تایپ شده است (**هیسارلیان**) Hilsariyan. و هم چنین نام "گ. لوونیان - G. Luvnian در کتاب آمده است که ردی از وی در شبکه ی جهانی اینترنت یافت نمی شود. و بالاخره، **ن. تهمیزیان - N. Tahmizian** آخرین نامی است که در این بخش کتاب به چشم می خورد. بنابراین، شکل درست برخی از نام های بالا این گونه در تاریخ موسیقی ارمنستان چنین ثبت شده اند. نام های فوق عبارتند از: **خاچاطور آوتیسیان - Khachatur Avetisyan**، **پاستوس بوزاند - Pavstos Buzand**، و (نام کوچک تهمیزیان به زبان فارسی نوشته می شود) **نیکولاس تهمیزیان - Nikoghos Tahmizian**.

در کتاب "آموزش ساز قانون - جلد ۱" از خاچاطور آودیسیان نقل شده است:

Prior to the birth of Jesus Christ, there was an instrument in Armenia that sounded like harp. But, unlike harp, it had no arm. In Armenian, they

called it **Knar** (actually in this country all the members of the family of Qanun are called **Knar**. P: 143

پیش از میلاد مسیح، سازی در ارمنستان وجود داشته که صوتی شبیه چنگ از آن بر می آمده، ولی بر خلاف آن فاقد دسته بوده است. این ساز به ارمنی **کنار** نامیده می شده (در ارمنستان همه سازهای هم خانواده قانون را "**کنار**" می نامند).

در نگاه اول، از نظر درک معنایی و نه از نظر دستوری، ظاهراً هر دو پاراگراف در هر دو زبان قابل فهم است. **پرسش** این است که در زبان ارمنی (ارمنی - یروانی) واژه ی "**کنار-Knar**" چگونه تلفظ می شود؟

آیا تلفظ دقیق این واژه "**کنار**" در زبان ارمنی همانی است که ظاهراً معادلش را در زبان فارسی داریم؟! آیا تلفظ دقیق واژه ی ارمنی "**کنار**" بر وزن اولین واژه از واژگان مرکب مانند: کنار جو، کنار ساحل، کنار دریا، کنار پنجره است؟! آیا تلفظ دقیق واژه ی ارمنی "**کنار**" را بر وزن واژگان "**قمار**" و یا "**آنار**" درست است؟! و بالاخره کدامین تلفظ درست است؟! حال اگر دوباره پاراگراف بالا را با دقت تمام بخوانیم، و سراسری از آن رد نشویم، و تلاش کنیم کمی روی واژه متمرکز بشویم، شاید فرجی بشود تا به کشف دقیق واژه پی ببریم!

اما برای رفع ابهام، در این جا با به کار گیری از "نشان های بین المللی آوا شناسی - IPA" و با استفاده از خط آوا نویسی (Phonetic Transcription)، تلفظ دقیق واژه ی ارمنی "**کنار**" را می نویسم. حال، با گذاشتن **فتحه** بر روی حرف **ک**، واژه ی ارمنی "**کنار**" را باید بر وزن واژه ی "**آنار**" - **کنار** = /kæna:r/، تلفظ کرد. شرح پی گیری دقیق ماجرا را در بخش یادداشت ها آورده ام. (ز)

Dr. Umit Mutlu P: 144

۷ - دکتر امید موتلو / ص ۲۴

در کتاب "آموزش ساز قانون- جلد ۱" دکتر موتلو (نوازنده پی ساز قانون، آهنگ ساز، سراینده) از رؤف یکتا (۱۹۳۵-۱۸۷۱) [Rauf Yekta](#) نقل قول می کند:

For over a half of a century, Qanun has been separately for every individual Maqam, and other minor ephemeral variations within every Maqam were fulfilled through use of finger pressure on the relevant string, a technique that no doubt requires mastery on account of the fact that doing this needs a certain level of pressure on the string....Employment of Mandal in Turkey started a century ago. P: 145.

قانون طی نیم قرن، برای هر مقام جداگانه کوک می شده و در تغییرهای کوچک و موقت مقام ها، کار زیر و بم کردن اصوات را با فشار انگشت بر روی سیم مورد نظر، تأمین می کردند و این کار به خبرگی و استادی نوازنده نیاز داشت که مقدار فشار را به اندازه تأمین صدای مورد نیاز، بر سیم وارد کند. . . . به کارگیری "مندال" در ترکیه از یک قرن پیش آغاز شده است. ص ۲۴

جمع آوری این اطلاعات برای یک هنر جوی ساز قانون به هیچ وجه کافی نیست. پرسش این است که چرا این اطلاعات جمع آوری شده در کتاب کافی نیست؟! و چرا نیاز های فکری یک هنرجوی تشنه ی فرا گیری تاریخ چه ی ساز قانون در کتاب آموزشی بالا بر آورده نمی شود؟!

چنان که از پاراگراف بالا مشهود است، رؤف یکتا دقیقاً انگشت بر روی یکی از مباحث اصلی ساز قانون می گذارد. ولی در کتاب "آموزش ساز قانون- جلد ۱" جنبه خبری اطلاعات فوق به همان پاراگراف محدود می شود. در واقع، مؤلف کتاب

(ملیحه سعیدی)، هسته ی اصلی بحث را که مربوط به محاسبات تاریخ آغاز به کار گیری پرده گردان بر روی ساز قانون است را نیمه تمام رها می کند!

آن چه که مشخص است این است که از زمان فارابی و یا از زمان اختراع و پیدایش ساز قانون تا اواخر دوره ی **حکومت عثمانی** ساز قانون اصلاً دارای پرده گردان نبوده است. به طور مشخص در طول پیدایش و گسترش ساز قانون در خاور دور و خاور نزدیک، نوازندگان قانون در هنگام نواختن در دستگاه های گوناگون چه روشی را به کار می گرفته اند تا بتوانند به نت مورد نظر دست بیابند؟ به عبارتی دیگر، این پرسش اصلی برای محقق، نوازنده، و هنرجوی ساز قانون باید و باید مشخص بشود که دقیقاً و مشخصاً از نظر تاریخی از چه زمانی به کار گیری پرده گردان اولیه در روی ساز قانون آغاز شده است؟ دوام، در عصر ما که عصر پیشرفت تکنولوژی و کشف مجهولات لایتناهی در علم است، آیا به کمک علم امروز می توان پاسخی دقیق، منطقی، و آکادمیکی برای این پرسش یافت یا نه؟ در عصر ما، پاسخ به پرسش مورد نظر را یکی از موسیقیدانان اهل کشور ترکیه داده است.

رنوف یکتا (۱۹۳۵-۱۸۷۱) یکی از محققین و علمای بزرگ موسیقی کشور ترکیه، اولین فردی است که توانست موسیقی ترکی (موسیقی کشور ترکیه) را در سطح بین المللی معرفی می کند. در واقع در عصر ما، رنوف یکتا یکی از موسیقی دانانی است که توانسته است تاریخ پیدایش "پرده گردان ها" ی روی ساز قانون را مشخص کند. رنوف یکتا می نویسد:

تاریخ پیدایش و نصب پرده گردان ها درست ۳۰ سال پیش از ارایه ی مقاله پژوهشی خود در باره ی "موسیقی ترکی" که بنا به دعوت و تقاضای شرکت در نگارش مقاله ای برای "دانش نامه ی موسیقی و فرهنگ هنرهای زیبا" ی **آلبرت لویگ ناک** (Albert Lavignac) چاپ ۱۳۰۱ (۱۹۲۲)، تهیه کرده بود، می باشد. این تاریخ، تاریخی است که پرده گردان های ساز قانون به ساز قانون اضافه و به کار گرفته می شوند. با این حساب، تاریخ دقیق استفاده از پرده گردان های ساز قانون که با نصب تعدادی پرده گردان در زیر سیم های ساز قانون قرار داده می شوند، به سال ۱۲۶۹ هجری خورشیدی (۱۸۹۰) بر می گردد. به عبارتی دیگر، تا پیش از این تاریخ، ساز قانون به علت نداشتن پرده گردان ها به آسانی قابل نواختن نبود. به ویژه نوازنده در هنگام نواختن و به منظور استفاده از مدولاسیون ها (Modulations) نیاز داشت که با فشار آوردن ناخن شست (دست چپ) بر روی سیم ها، که در انتهای گوشی ها قرار دارد؛ صدا و تغییر نت مورد نیاز را در هنگام اجراء بدست بیاورد.

(ژ)

هم اکنون، در سطح کُلّ کره ی خاکی، تنها دکتر جرج دیمیتری ساوا - تورنتو - ([Dr. George Dimitri Sawa](#)) است که قادر به نواختن ساز قانون بدون پرده گردان می باشد.



نمونه ی قانون مصری بدون پرده گردان که همواره مورد استفاده دکتر جرج ساوا قرار دارد.

بدیهی است که از این منظر، باید تاریخ و تمام ریزه کاری های مربوط به ساز قانون آن هم به طور علمی و تحقیقی و درست به هنرجو آموخته بشود. در غیر آن صورت نباید انتظار داشت که پس از باز گرداندن ساز قانون آن هم به مام میهن، و آن هم پس از گذشت قرن ها؛ نهضتی بنیادی و حقیقی در زمینه ی اعتلای ساز قانون در سطح کشور ایران به وقوع بپیوندد.

هشتمین و آخرین نقل قول که راجع به "گفته‌ها و نوشته‌ها در باره ساز قانون" می‌باشد، اختصاص به نقل قول بلندی از امین شه‌میری دارد که تمامی صفحه ۲۵ کتاب را در بر گرفته است. ترجمه انگلیسی این بخش نیز در صفحات ۱۴۶ و ۱۴۷ کتاب به چشم می‌خورد. نقل قول‌هایی که از امین شه‌میری در این بخش کتاب آورده شده است آن قدر مخشوش، بلبشوش، و درهم برهم است که معلوم نیست کدام سطر، نقل قول است و کدامین سطرها از آن امین شه‌میری است و کدامین سطرها از "فرهنگ قاطع" نقل قول شده است؟ از آن گذشته، در هنگام مقابله کردن متن ترجمه شده به زبان انگلیسی با متن فارسی؛ به راحتی می‌توان به سر درگمی مترجم و یا مترجمین نیز پی برد. به ضرس قاطع می‌توان نوشت که مترجم و یا مترجمین این بخش، از پیش پا افتاده ترین اطلاعات عمومی راجع به فنّ و هنر ترجمه و هم چنین به زیر و بم های علم موسیقی آگاهی نداشته و بدون داشتن کوچک ترین حس مسئولیت، عجولانه و ناشیانه دست به ترجمه زده اند. در یک کلام، بررسی متن نقل قول از امین شه‌میری و ترجمه ی آن به زبان انگلیسی، جدّاً مقاله ای جداگانه ای می‌طلبد! روی هم رفته و بنا به ضرورت در این مبحث، به ذکر سه مورد کوتاه می‌پردازم.

در بخش فارسی کتاب، جمله زیر که معلوم نیست از کدام مأخذ عاریه گرفته، نوشته شده است:

"کلمه قانون ممکن است از زبان **یونانی** اقتباس شده باشد زیرا که اصل آن در زبان **یونانی** کانن می‌باشد." ص ۲۵

The word Qanun is probably taken from **Greek** since its origin in **Latin** is **Canon**. P: 146, L: 4

در واقع جمله ی فارسی بالا دارای یک مفهوم تکراری است! و عجیب آن که ترجمه انگلیسی جمله ی فوق، مترجم و یا مترجمین جمله را درست به زبان انگلیسی ترجمه می‌کنند. اما پرسش این است که مترجم و مترجمین از کجا پی برده اند که جمله را از نظر مفهومی درست ترجمه کنند! احتمال دوم این است که جمله در اصل به زبان انگلیسی نوشته شده و احیاناً مترجم و یا مترجمین در هنگام برگرداندن جمله به زبان فارسی بی احتیاطی کرده و گمراه شده اند. و در نتیجه، واژه ی **یونانی** را اشتبهاً دو بار به کار گرفته اند. شبقّ دوم جمله ی بالا یعنی "زیرا که اصل آن در زبان **یونانی** کانن می‌باشد." مترجم و یا مترجمین در هنگام ترجمه از زبان انگلیسی به زبان فارسی، واژه ی **لاتین (Latin)** را به واژه ی "**یونانی**" ترجمه کرده اند! در واقع، آن چه که از ترجمه ی جمله ی انگلیسی بالا به زبان فارسی مراد است، این است که:

واژه ی قانون احتمالاً از زبان یونانی برگرفته شده، چون اصل این واژه در زبان **لاتین** کانن می‌باشد.

در صفحه ۲۵، سطر ۲۱ به نمونه ی دیگری از این دست برخورد می‌کنیم. نوشته شده است: "هر قسمت از **جعبه ساز** نام خاصی دارد." حال اگر این جمله را به زبان انگلیسی برگردانیم، می‌شود:

Each part of the **instrument's case** has its own name.

عبارت "instrument's case" ترجمه ی "**جعبه ساز**" است. مفهوم این "**جعبه ساز**" و نه نوع ساز، مشخصاً در زبان فارسی مفاهیمی مانند جعبه ساز سنتور، جعبه ساز ویلون، جعبه ساز ساکسوفون، جعبه ساز سه تار، جعبه ساز قانون را در ذهن تداعی می‌کند. در خصوص تفسیر جمله ی بی معنای بالا یعنی "هر قسمت از جعبه ساز نام خاصی دارد." می‌توان نوشت، در بخش سازشناسی سازهای موجود در دنیا شنیده شده است که هر قسمت از ساز نام خاصی دارد. ولی تا به حال شنیده نشده: "هر قسمت از جعبه ساز نام خاصی دارد!" و اگر هم داشته باشد که دارد، باید بپذیریم، چون در دنیای رقابتی امروز متأسفانه همه چیز از دید اقتصادی دیده می‌شود؛ از این منظر و به لحاظ اقتصادی، معمولاً اجزای جعبه ساز برای سازندگان جعبه ساز اهمیت دارد و نه چندان برای هنرجویان. حال اگر جمله ی بالا را در زبان فارسی اندکی تغییر بدیم، **مفهوم جمله** برای هنرجو و برای کلیه کسانی که کتاب را در دست می‌گیرند قابل هضم و قابل فهم خواهد بود. برای نمونه اگر جمله ی فوق نوشته شود: "هر قسمت از ساختمان ساز نام خاصی دارد،" مفهوم این جمله با جمله ی فوق یعنی "هر قسمت از **جعبه ساز** نام خاصی دارد،" به لحاظ علم معنایی و یا معنا شناسی (Semantics) برای کسانی که در سراسر گیتی با زبان فارسی سر و کار دارند، مشخصاً هر دو جمله، دو بار معنایی مجزاً و کاملاً مشخص از یک دیگر را به

خواننده منتقل می کنند. در واقع، جمله ی ترجمه شده (انگلیسی) در کتاب، اشاره به **اجزاء ساختمان ساز** دارد و نه به **جعبه ساز**.

Each part of **the instrument** has its own name. P: 146, L: 13, 14.

از سطر ۲۳ تا سطر ۲۵ نوشته شده است:

در طرف ضلع مُورَب بر حسب بزرگی و کوچکی قانون از ۲۱ تا ۲۹ ردیف سه تایی مجموعاً ۶۳ تا ۸۷ گوشی دارد. طرف دیگر که ضلع آن عمود بر قاعده می باشد ۶۳ تا ۸۷ سوراخ ریز کوچک تعبیه شده است. زه ها (اوتار) از روی دو ردیف خرک از طرف راست به چپ می گذرد. ص ۲۵

Toward the oblique side, there are from 21 to 29 groups of three strings tied to 63 to 81 pegs altogether. The other side, vertical to the base, includes 63 to 81 holes. The strings pass over two rows of bridges from the right to the left. P: 146, L: 17 to 20.

طبق مفهوم جمله های فارسی بالا، اگر ساز قانونی دارای ۲۹ ردیف سیم نایلون بوده، و هر ردیف دارای ۳ سیم نایلونی باشد؛ حاصل ضرب این دو رقم، عدد ۸۷ خواهد بود ($29 \times 3 = 87$). یعنی آن ساز قانون دارای ۸۷ ردیف سیم نایلونی است. مترجم و یا مترجمین محترم در متن انگلیسی نتیجه حاصل ضرب را از عدد ۸۷ به عدد ۸۱ تقلیل داده اند!

پرسش این است ساز قانونی که دارای ۲۹ ردیف سیم نایلون سه تایی است، قاعدتاً باید دارای ۸۷ عدد گوشی و ۸۷ عدد سوراخ ریز جهت عبور سیم نایلون به گوشی ها باشد. با این حساب آخر مگر می شود آن ساز قانون ۲۹ ردیفی در عمل دارای ۸۱ گوشی و ۸۱ سوراخ ریز باشد؟! نمی توان شعارگونه بی مسئولیتی های مترجم و یا مترجمین را به گردن توطئه گران (نا) مری و یا امپریالیسم آمریکا، روس، چین، کره شمالی، و غیره انداخت. راستش، در فرهنگ ما شرقی ها، کار از جایی دیگر می لنگد! در نهایت می توان نوشت، تمام متن این بخش از کتاب "آموزش ساز قانون- جلد ۱" در هر دو زبان آن قدر مغشوش است که تشخیص آن که چه کسی چه می گوید، اصلاً و ابداً مشخص نیست.

نوع و درجه بندی سیم های ساز قانون:

ملیحه سعیدی به لحاظ انداختن سیم های نایلون برای ساز قانون در صفحه ۱۲۴ کتاب بحثی را پیش می کشد که هم اکنون در دنیای موسیقی جهانی امروز و به ویژه در میان قانون نوازان حرفه ای دنیا، جنبه علمی ندارد. سعیدی می نویسد:

تعداد سیم های قانون بستگی به بزرگی و کوچکی این ساز دارد که از ۲۱ تا ۲۹ متغیر است که هر سه سیم آن با هم کوک می شوند و یک صدا می دهند. طویل ترین و کلفت ترین (ضخیم ترین) سیم قانون در قسمت پایین ساز می باشد و هرچه رو به بالا می رود صداها نازک (زیر و به همان نسبت، سیم ها نازک تر و کوتاه تر می شود (ند). این سیم ها دارای قطر های متفاوتی هستند. سیم های ضخیم که در پایین قرار دارند اُکتاو بم، سیم های قسمت وسط، اکتاو میانی و سیم های بالا، اُکتاو بالا می باشد (می باشند). سیم های هر قسمت (که در بیش ترین تعداد، جنس آن ها در قدیم از روده گوسفند بوده و امروزه از (جنس) نایلون است) در کلفتی (صخیمی) و نازکی، درجه های مختلف دارند. برای برخی از قانون ها، در قسمت بم و زیرشان (فقط سه یا چهار نُت) سیم های فلزی به کار می برند.

هم اکنون برای ساز قانون حرفه ای با کیفیت عالی (Professional High Quality Kanun) از نوع سیم های پی وی ایف (PVF = Polyvinylidene Fluoride) که از جنس بسیار مرغوب، شفافیت در رنگ، کیفیت صدا، دوام و مقاومت در برابر گرما و

سرما تهیه می شوند، مورد استفاده قرار می گیرند. دومین اهمیتی که استفاده ای این نوع سیم های نایلون برای ساز قانون دارد این است که برای هر ردیف، شماره ی سیم های مورد نیاز کاملاً مشخص شده است. یعنی اگر بر اثر فشار و یا هر عامل درونی و بیرونی سیم ها نایلون پاره بشوند، به شرط موجود بودن سیم های نایلون پی وی اف، در هر نقطه دنیا که باشیم به راحتی می توان سیم های مورد نیاز را خریداری و سریعاً اقدام به تعویض سیم نایلون های مورد نظر کرد.

ردیف و اندازه ی سیم های نایلون ویژه - پی وی اف (PVF)- برای قانون های ۲۷ تایی، از اولین سیم پایین تا به بالا (از شماره ۱ تا شماره ۲۷) را در جدول زیر قرار می دهیم. بدیهی است این نتایج به دست آمده در نتیجه هم کاری دراز مدت قانون سازان ترکیه با شرکت های تولید کننده ی سیم های نایلون ساخت کشور آلمان می باشد. در ستون چهارم جدول زیر، از سیستم هجایی موسیقی هند، تنها حروف نخست آن ها را در برابر نت های بین المللی قرار داده ام.

۱۴-	F	فا	Ma	0.74	۲۷-	E	می	Ga	0.47
۱۳-	E	می	Ga	0.74	۲۶-	D	ر	Re	P.47
۱۲-	D	ر	Re	0.80	۲۵-	C	دو	Sa	0.54
۱۱-	C	دو	Sa	0.85	۲۴-	B	سی (تی)	Ni	0.54
۱۰-	B	سی (تی)	Ni	0.90	۲۳-	A	لا	Dha	0.59
۹-	A	لا	Dha	0.95	۲۲-	G	سُل	Pa	0.59
۸-	G	سُل	Pa	1.00	۲۱-	F	فا	Ma	0.59
۷-	F	فا	Ma	1.05	۲۰-	E	می	Ga	0.62
۶-	E	می	Ga	1.12	۱۹-	D	ر	Re	0.62
۵-	D	ر	Re	1.12	۱۸-	C	دو	Sa	0.66
۴-	C	دو	Sa	1.17	۱۷-	B	سی (تی)	Ni	0.66
۳-	B	سی (تی)	Ni	1.28	۱۶-	A	لا	Dha	0.70
۲-	A	لا	Dha	1.28	۱۵-	G	سُل	Pa	0.70
۱-	G	سُل	Pa	1.36					

متأسفانه، ایران از نظر تحقیق، تولید و ارایه مقاله های تخصصی و فنی در باره ی ساز قانون در مقایسه با کشورهایمانند: مصر، فرانسه، ارمنستان، و به ویژه کشور ترکیه در مرحله زیر صفر درجه قرار دارد. یکی از دلایل اصلی این درجا زدن ها این است که هر دو نظام نسبت به شکوفایی این ساز و آن هم در سطح ملتی و جهانی کاملاً بی تفاوت بوده اند. در مجموع اگر تلاش ها و پی گیرهای مؤثر مانا یاد استاد مهدی مفتاح در بخش موسیقی دانش کده ی هنرهای زیبا دانشگاه تهران و اعتلای این ساز آن هم در سطح آکادمیک نبود، شاید حالا حالا ها ساز قانون در ایران کنونی ناشناخته می ماند.

از این که ملیحه سعیدی "در برگرداندن لحن صدای ساز (قانون) از عربی به ایرانی" همت گمارده اند، کوشش ایشان جداً قابل تعمق است. ولی این لحن برگرداندن صدای ساز (قانون) پیشنهادی خانم ملیحه سعیدی بیشتر به "لحن اسلامی" می ماند تا به "لحن ایرانی!" (س) یکی دیگر از نکات تأسف آوری که در رابطه با ساز قانون می توان نوشت این است که سازندگان ساز قانون در ایران امروز قادر به ساختن ساز قانون هایی که بتواند از طنین بسیار خوبی برخوردار باشند، نیستند. تلاش های ابراهیم قنبری مهر، استاد ساز سازی، گرچه به پیشنهاد ملیحه سعیدی برای "ساخت و ابداع فرم کلیدهای تغییر دهنده پرده گردان بر مبنای نیاز موسیقی ایرانی" (ش) تغییراتی به وجود آورده، ولی اسکلت بندی قانون های پیشنهادی طوری است که به لحاظ تولید و طنین صدا جداً فاجعه انگیز هستند. در این راستا، کافی است به آلبوم "دلنوا" (تک نوازی قانون ملیحه سعیدی) و آلبوم های "گلنوش: چهل قطعه با ساز قانون" و "ترانه" ی پریچهر خواجه گوش دهیم. طنین های وحشتناک و عذاب آوری که از این نوع ساز های قانون تولید می شوند، شنونده را

نه تنها از شنیدن طنین این نوع ساز قانون دل زده و بی زار می کنند، بل که آنان را از شنیدن صدای ساز قانون برای ابد فراری می دهند!

اگر دل بخواهی آن هم برای چند لحظه به تار نمارهایی که اختصاص به موسیقی ایرانی دارند، سری بزنیم، خواهیم دید که بلا استثناء تمامی آن تارنماها در بخش معرفی ساز قانون تمام مطالب را از تارنمای [ویکی پدیا \(Wikipedia\)](#) کپی برداری و در تارنمای خود قرار داده اند. افرادی هم که مطالب مربوط به ساز قانون را در تارنمای ویکی پدیا به زبان فارسی قرار داده اند، دقیقاً از کتاب "آموزش ساز قانون - جلد ۱" که به اصطلاح نتیجه ۲۲ زحمت جهت جمع آوری مطالب به تألیف خانم ملیحه سعیدی است، کپی برداری کرده اند. چنان که در آغاز مقاله اشاره شد، از چاپ اول و دوم کتاب مورد نظر، مجموعاً ۴۰۰۰ جلد چاپش شده است. با توجه به محتوای تحلیلی این مقاله، نتیجه این می شود که کلیه کسانی که از آن کتاب استفاده کرده و یا استفاده می کنند؛ بلا استثناء با خرواری از اطلاعات صد در صد غلط و غیر علمی سر و کار داشته اند. از این منظر، در خصوص کتاب "آموزش ساز قانون - جلد ۱" تک بیت شعر فارسی زیر دقیقاً بیان گوی آن چه که کوشیده ام به خواننده منتقل کنم، می باشد.

چو خشت اول را معمار نهاد کج
تا ثریا می رود این دیوار کج

تعجب من از این است که چرا خانم ملیحه سعیدی به منظور تصحیح کتاب، حداقل پیش از چاپ دوم، از هم کار مورد علاقه خود، از آن خواننده ی حزب الهی چند آتشه ی جهل گستر و اصلاح طلب کنونی (!) دکتر [سید عبدالحسین مختاباد \(ص\)](#) و هم چنین از هم کار پیشین خود مهدی جوانفر (تورنتو) کمک نگرفت؟! شاید بازبینی به موقع آقایان می توانست تا حدودی جلوی این فاجعه فرهنگی را بگیرد.

متأسفانه باید نوشت، کتاب "آموزش ساز قانون- جلد ۱" تألیف خانم دکتر ملیحه سعیدی فاقد موازین و استانداردهای آکادمیکی بوده و محتویات متون ترجمه شده به هر دو زبان فارسی و انگلیسی، برای هنرجویان و علاقه مندان به فراگیری ساز قانون بسیار گمراه کننده می باشند. کتاب "آموزش ساز قانون- جلد ۱" هم چنین از عدم ویرایش در هر دو زبان به شدت رنج می برد. این کتاب از صحافی بسیار بدی نیز برخوردار است. به طوری که بعد از چند بار کتاب را باز و بسته کردن، کتاب کاملاً ورق ورق می شود.

تردیدی نیست که تمامی مطالب کتاب "آموزش ساز قانون - جلد ۱" به تألیف خانم دکتر ملیحه سعیدی ابتداء نیاز به بازنویسی مجدد و ترجمه ی دقیق دارد. و سپس مطالب در شبکه ی جهانی اینترنت مطالب به روز شده و سر انجام تمامی تارنماهایی که ندانسته از تارنمای ویکی پدیا و یا کتاب مذکور کپی برداری کرده اند؛ تصحیح بشوند. از این منظر، به راحتی می توان حدس زد که حداقل چند دهه دیگر برای به ثمر رساندن این مهم زمان لازم است! و در نهایت اگر به خواهیم از دید آکادمیکی به این کتاب نگاه کنیم، واقعیت تلخ این است که حتا هیچ یک از دانشگاه های درجه ی سه کشورهایی مانند هندوستان، فلپین، چین، کره ی جنوبی و و کتاب "آموزش ساز قانون - جلد ۱" را به عنوان پایان نامه دانش گاهی مورد قبول قرار نخواهند داد. منتها، در کشوری مانند ایران که در هر دو نظام، همیشه روابط جانشین ضوابط قرار داشته است، این اتفاقات نامیمون افتاده و خواهد افتاد. از نظر من، بزرگ ترین خدمتی که هم اکنون خانم دکتر ملیحه سعیدی می تواند به نسل کنونی و علاقه مندان به فراگیری ساز قانون بکند، جمع آوری کلیه کتاب های موجود در کتاب فروشی ها بوده؛ و یا حداقل خدمتی که برای آینده ی فرزندان آن مرز و بوم می تواند انجام بدهد این است که از ناشر بخواهد تا بررسی نهایی از چاپش دوباره ی کتاب، جداً خودداری بکند.

khazan1367@gmail.com

یحیی خزائینه- تورنتو / کانادا.

- عضو پیشین جامعه مدرسین زبان انگلیسی استان انتاریو (TESL Ontario) †

- گواهی تدریس زبان انگلیسی، دانشگاه تورنتو، اکتبر ۲۰۰۶

- دکترای نیمه تمام (مهاجرت)، دانشگاه کُرکیتترا - کُرکیتترا - استان هاریانا - هندوستان ۱۹۸۸

- کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه کُرکیتترا - کُرکیتترا - استان هاریانا - هندوستان ۱۹۸۷

- کارشناس ارشد زبان شناسی، دانشگاه کُرکیتترا - کُرکیتترا - استان هاریانا - هندوستان ۱۹۸۵

- کارشناس علوم سیاسی، دی. ای. وی. کالج - دانشگاه پنجاب - چندیگر - استان پنجاب - هندوستان ۱۹۸۲

† - بالاخره متوجه نشدم که جامعه مدرسین زبان انگلیسی استان انتاریو، به کدام دم و دستگاه، و یا تشکیلاتی/ویژان است؟! به هر جهت، از تاریخ اول اکتبر سال دو هزار و دوازده تشخیص و ترجیح دادم که عطای عضویت را به لغایش ببخشم!

کتاب نامه:

- ۱ - سعیدی، ملیحه. آموزش ساز قانون - جلد ۱. تهران: مبنای خرد. ۱۳۸۹
- ۲ - نصیری فر، حبیب الله. مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد اول). تهران: انتشارات راد، ص ۶۳. ۱۳۶۹
- ۳ - مفتاح، مهدی. متد قانون و آهنگهایی برای این ساز. تهران، شرکت انتشاراتی علمی و فرهنگی. ۱۹۹۱
- ۴ - مراغه ای، عبدالقادر. مقاصد الالحان. ترجمه ی تقی بینش. تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول. ۱۳۲۴
- ۵ - فارابی، ابو نصر. موسیقی کبیر فارابی. ترجمه و تحقیق ابوالفضل بافنده اسلام دوست. تهران: انتشارات پارت. ۱۳۷۵
- فارابی، ابو نصر. موسیقی کبیر. ترجمه ی دکتر آذرتاش آذرنوش. تهران پژوهش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱۳۷۵
- ۶ - سعیدی، ملیحه. آموزش ساز قانون جلد ۳. تهران، مبنای خرد. ص ۲. ۱۳۸۹

یادداشت ها:

الف - در آیین هندوئیسم، الهه ساراسواتی (Saraswati)؛ الهه ی دانش، سخن، بیان، شعر و موسیقی؛ و به طور کلی الهه ی تمامی هنرهای خلاق تلقی می گردد.

در هندوستان ساز **وینا** سمبل الهه ساراسواتی است. و الهه ساراسواتی، مادر موسیقی (Goddess of Music) است. و تمامی سرودهای وداها و مخزن اطلاعات خلاق پرهماست. و از همین روست که در سرتاسر دنیا، هندی ها در تمامی برنامه های هنری، به ویژه موسیقی؛ مجسمه ی برنزی و یا مسی شکل این الهه (شکل زیر) را، آن هم در اندازه های گوناگون در جلوی بین قرار داده می دهند. و اما فلسفه و انگیزه ی قرار دادن مجسمه این الهه درست در سمت چپ و یا راست سین، به منظور حضور و تجسم دائمی این الهه در هنگام اجرای برنامه است. در هندوستان معروف است که **موسیقی؛ دین، مذهب، طریقت، و ایدئولوژی نمی شناسد**. بدیهی است، جمله آغازین این مقاله را با زبان سمبلیک به کار گرفته ام.



الهه ی ساراسواتی،

پ - دکتر علی اکبر صدیف گرچه در این شش دهه ی گذشته با اجرای ساز قانون، قطعات بسیار زیبا و جاودانه ی صوتی، برای کنونیان و آیندگان از خود به یادگار گذاشته است؛ ولی بزرگ ترین و فراموش ناشدنی ترین گله ای که به درستی دوست داران و نسل پس از انقلاب از دکتر علی اکبر صدیف می توانند داشته باشند، این است که آقای صدیف، بنا به دلایل نا معلومی، از قرار دادن حتماً یک کلیپ چند ثانیه ای در یوتیوب امتناع ورزیده است. و بدین سان ایرانیان، و دوست داران ساز قانون را از دیدن اجرای ساز خود محروم ساخته است. شاید پس از انتشار این مقاله، استاد همتی کند، و نهایتاً با قرار دادن چند کلیپ در یوتیوب، آن هم برای کنونیان و آیندگان، قدمی بردارد.



کشوری خوشبخت و سرافراز می تواند باشد که مردم آن کشور دارای روحیه شاد باشند. و به راستی از این منظر، دکتر علی اکبر صدیف، یکی از آبر مردان موسیقی ایران، به سهم خود توانسته است با صدای ساز قانون اش در شاد نگه داشتن روحیه مردمان آن مرز و بوم سهمیم بوده باشد. و به گمان من، به سادگی نمی توان این حقیقت و صفت بارز دکتر علی اکبر صدیف را نادیده گرفت.

<http://nezam-e-sokhan.blogspot.ca/>

<http://youtu.be/fBa1CfavEIA>

http://fa.wikipedia.org/wiki/علی_اکبر_صدیف

<http://www.youtube.com/watch?v=SIaNDQKErCw>

برنامه شما و رادیو در نوروز سال ۱۳۴۴

رقص پروانه - رود کارون. بخوانندگی امان اله تاجیک وبا همکاری ارکستر رادیو ایران وآقایان پرویز یاحقی (ویلن)- اکبر صدیف (قانون) - جمشید وحادی (فلوت) - بیژن شیرازی (تمپو).

<http://www.youtube.com/watch?v=dY8SA1fbnYc>

تهران بزرگ - سروده و با صدای دکتر علی اکبر صدیف (جدید)

پ - حبیب الله نصیری فر در کتاب "مردان موسیقی سنتی و نوین ایران" در باره ی حسین دهلوی می نویسد: "دهلوی از جمله مردان نادری است در موسیقی ایران که هیچوقت زیر بار خط گرفتن های آن چنانی نرفت و هیچ شخص و عاملی نتوانست وی را مرعوب و یا تحت تأثیر قرار دهد که او تابع نظریات و سیاست خاص آن روزگردانان موسیقی باشد و برای پیشبرد و پیشرفت موسیقی ملی کشورش کوشش نکند و به همین سبب، مدتی که عضویت شورای موسیقی هنرهای زیبا را که خودش مؤسس آن بود به عهده داشت، وقتی اختلاف نظرهایی که در مورد کارهای اساسی و بنیادی هنری با مسئولان آن زمان پیدا کرد از کار کنار گیری کرد و همکاری خود را قطع کرد و این یکی از خصائص بارز انسان های والای روزگار است که در دوران زندگانی، جاهایی که باید "نه" بگویند و به ایستند "نه" بگویند و دهلوی در آن جو و زمان "نه" را گفت و با آنان همکاری خود را قطع کرد." (ص ۱۸۸)



سوسن اصلانی و حسین دهلوی

نازیلا افتخاری منش (نوازنده ی سنتور - تورنتو)، مدیر موسسه شارک، بزرگ داشت استاد حسین دهلوی را به تاریخ **دَهَم** **مهرماه ۱۳۸۶** (Oct. 02, 2007) در یکی از سالن های کتاب خانه ی روبرایت، دانشگاه تورنتو بر پا داشت. در این شب خانم **سوسن اصلانی** (همسر استاد - با رعایت حفظ کامل حجاب اسلامی) استادانه قطعاتی در دستگاه راست پنجگاه اجراء و آراز **پاشایی** با تنبک ایشان را هم راهی می کرد. پس از اجرای آن قسمت از برنامه، استاد **حسین دهلوی** درباره کتاب "**پیوند شعر و موسیقی آوازی**" به طور مفصل سخن راند. متأسفانه سخن رانی استاد دهلوی بیش از حد به درازا کشید. استاد بدون در نظر گرفتن وقت اهالی این شهر که باید برای بدست آوردن دو قران نان، شب و روز سگ دو بزنند، از هر دری سخن می گفت! از طرفی دیگر، نوه ی استاد هم تو سالن بی وقفه به وروجک وروجک افتاده بود، و سالن را گذاشته بود رو سرش! طاقت نیاوردیم. دیدم خانم افتخاری منش در گوشه ای از سالن ایستاده است، به سوی ایشان روان شدم و خیلی آرام از ایشان پرسیدم: "ببخشید خانم کی این جلسه تمام می شه؟" گفت: "نمی دانم!" تقاضا کردم: "خانم، میشه حداقل جلوی سر و صدای این بچه را بگیرید؟" جواب شنیدم: "نوه ی استاد هستند!" از شما چه پنهان، جخت، لوجه پیچک گرفتم که چه بگویم!! تنسگر کردم و برگشتم به سوی یکی از صندلی های ردیف آخر. در فاصله تنفس، با فرزند استاد، **هومن**، چند لحظه ای گپ زدم، و آدرس ایمیل ایشان را گرفتم. پس از استراحت کوتاه، جلسه ادامه یافت. دوباره جیغ و فریاد بچه و بچه ها ادامه پیدا کرده بود. پنداشتم که نمی شود از این نشست بهره ای برد. حدود سه ساعت از این جلسه گذشته بود و شرکت کنندگان هم شروع کرده بودند به ترک کردن سالن! متعاقباً من هم به آنان پیوستم. در راه بازگشت به طرف اقامت گاهم، با خودم تکرار می کردم: - در این دوره و زمانه که دنیا با شتاب باور نکردنی رو به جلو دارد، ما تا چند قرن دیگر باید با بی نظمی و بی برنامه گی سر کنیم!؟

در آن زمان، به دلیل نبود آدرسی مشخص جهت تماس مستقیم با استاد دهلوی و ملیحه سعیدی، سه ایمیل در فاصل های زمانی گوناگون برای فرزند استاد فرستادم. خواستم از طریق ایشان، استاد را متوجه اشکالات موجود در متن کتاب بکنم. تا شاید از این راه بشود، **پیشاپیش** جلوی اشتباهات گم راه کننده ی در کتاب گرفته شده و به تصحیح موارد موجود در کتاب به پردازند. به هر روی، با در نظر گرفتن جو آن زمان، **هومن دهلوی** فرزند استاد از تماس گرفتن اجتناب ورزید. و این است نتیجه یک غفلت و بی تفاوتی!

نازیلا افتخاری منش در پانزدهم ماه دسامبر 2013 در سالن خانه ی زیتون **Beit Zatoun** به همراه تنبک خانم مورگن دکتر (Morgan Doctor) جهت معرفی لوح فشرده ی شنیداری - سی دی (CD) جدید خود به اجرای برنامه پرداخت.

ت - در سال ۱۳۵۲ در پادگان چهل دختر مشغول گذراندن دوره ی آموزشی سربازی بودم. در این دوران بود که تصمیم گرفتم دوباره به تحصیلاتم ادامه بدهم. در اواخر دوره ی آموزشی، روزی پس از پایان اجرای مراسم صبح گاهی به خود جرأت دادم وبه سوی تیمسار سرتیپ **محمد فرزاد** روان گشتم. و پس از احترام نظامی ایشان را از تصمیم خود آگاه کردم. سرتیپ فرزاد پس از مکثی بسیار بلند، با متانت گفت: "پسرم؛ ادامه تحصیل در دوره ی آموزشی مقدر نیست. ولی اگر پس از پایان دوره ی آموزشی، سهمیه پادگان شاهرود شدی، یک ماه پیش از آغاز ثبت نام دبیرستان ها به من یادآوری کن تا دستور بدهم کارت ورود و خروج از پادگان را برایت صادر بکنند."

از قضا، پس از پایان دوره ی آموزشی، سهمیه پادگان شاهرود شدم! **پیشاپیش سرکار استوار عیسی سپهوند** را که سرپرست واحد موزیک بود، در جریان موضوع قرار داده بودم. زمان ثبت نام فرا رسید. روزی که سرتیپ فرزاد به پادگان شاهرود آمده بود، پس از پایان مراسم، سرکار سپهوند به سوی سرتیپ فرزاد روان گشت و پس از ادای احترام نظامی، موضوع را به سرتیپ فرزاد یاد آورش. سرتیپ فرزاد بلافاصله به منشی همراه اش دستور داد: "بشود." با تصمیم درست سرتیپ فرزاد و با بزرگ منشی سرکار سپهوند، توانستم **کلاس دهم** را در حین انجام خدمت سربازی هم زمان به پایان ببرم. ؟ قطب (نوازنده ی تار) و من، دو تن از سربازان وظیفه ای بودیم که توانستیم در حین انجام خدمت سربازی در کلاس های شبانه ثبت نام کرده و به تحصیلاتمان ادامه بدهیم.



مانا یاد عیسی سپهوند

مانا یاد عیسی سپهوند در ارتش نظام پیشین به استخدام موزیک ارتش در آمده بود. و پس از پیمودن دوره های نظامی سر انجام پس از گذشت سالیان سال به پادگان چهل دختر منتقل و به سرپرستی واحد موزیک گزیده شد. در واحد موزیک پادگان چهل دختر، وی از نظر تسلط به تنوری موسیقی زبان زده بود. **سرهنگ شمیرانی** (فرمانده ی موزیک پادگان چهل دختر شاهرو) که یکی از افسران لات، بی سواد، و بی شخصیت ارتش شاهنشاهی بود؛ هر زمان که در خواندن و فهم قطعه ای (نُت خوانی) لنگ می ماند *دیوانه وار* سراغ مانا یاد سپهوند را می گرفت! مانا یاد سپهوند از خرم آبادی های بی تکلف بود و در نواختن ساز ویلون دستی داشت. ولی هرگز ادعا نداشت که بهترین نوازنده ی آن ساز می باشد. شعر و آهنگ "**دختر شاهرو**" از ساخته های مانا یاد سپهوند بود که در دستگاه: شور (آواز بیات ترک) ساخته بود. متأسفانه در آن زمان، این آهنگ در جایی ضبط نشد. گروه سه نفری ما متشکل بود از مانا یاد سپهوند (ویلون)، یحیی خزانینه (سنتور)، و ؟ قطب (تار). بدیهی است، گروه ما، شهرت محلی و جهانی نداشت!

در اوایل سال ۱۳۵۳، روزی مانا یاد سپهوند پیشنهاد کرد که جمعی از بچه ها تمرین دارند. و سپس اضافه کرد پس از اجرای مراسم شام گاهی، سه نفری می رویم محل تمرین آن ها. در که باز شد، بچه های داخل، مشغول تمرین بودند. با دیدن مانا یاد سپهوند موزیک را قطع کردند، و سپس برخاستند و سلام نظامی دادند. مانا یاد سپهوند گفت: "راحت باشید." و سپس به معرفی **مهرزاد نوید** (فلوت - فلوت عربی)، **حسین کدازی** (تمپو / ضرب - تورنتو)، و **رسول شکاری** (قانون - تهران) پرداخت. مانا یاد سپهوند رو به من گفت: "بفرما! اینم ساز قانونه که هی در باره اش می پرسی!" در این جا بود که برای اولین بار ساز محبوبم - قانون - را در دستان رسول شکاری دیدم. این سه تن گروهی تشکیل داده بودند که در آن همان زمان در ژانرای به خصوص و آن هم در سطح حرفه ای ساز می زدند. و هم چنین در این دوران بود که از نزدیک با **سیامک شجریان** (سنتور، آواز، و استاد خط - آمریکا) آشنا شدم.

تا پیش از نوشتن این مقاله، نمی دانستم پس از انقلاب، مانا یاد سپهوند در اثر تبلیغات مسموم کننده ی نظام منحوس جمهوری اسلامی ایران در دام دیو جماران افتاده و سرانجام فرزندش را در جبهه از دست می دهد. هر چه بیشتر در واژگان "اغواء" و "افسون" دقیق تر می شوم بیشتر به مفهوم مصیبت و بلایابی که بر ملت تحت ستم ایران تحمیل شده است؛ پی می برم. **در این راستا، و بدون واهمه نوشته ام، خیانت قریب به اکثر روشن فکران فرصت طلب و خیانت اغلب احزاب های سیاسی ایران (به ویژه حزب توده و اکثریت) به مردم، و مرز و بوم ایران که در تداوم جنایات آخوندها شریک بوده اند را نباید از نظر دور داشت. و نباید بیش از این فریب مظلوم نمایی آنان و آخوند ها را خورد. و نمی توان جنایات بی حساب و کتاب آنان را که هم راه با انواع و اقسام حیل ها و فلسفه بافی همراه است، در پستوی تاریک خانه ی تاریخ کنونی ایران پنهان کرد.**

به راستی، چرا ما این قدر زود تاریخ کشورمان را فراموش می کنیم!؟

در هنگام انجام خدمت وظیفه سربازی، همانند بسیاری از هم نسلانم در اوقات فراغت، به **رادیو میهن پرستان** که از کشور عراق پخش می شد، گوش فرا می دادم! ما بچه های آن دوره، به شنیدن دروغ های گت و کُلفت گردانندگان رادیوی مذکور که نماینده ی سازمان هایشان بودند و اخبار سیاسی روز را در اختیار شنوندگان قرار می دادند، مشغول بودیم! **حجت الاسلام و المسلمین سید محمود دعائی** (سر پرست مؤسسه اطلاعات آن هم به مدت سی سال!) در زمان اقامت خود در عراق تهیه کننده و مجری برنامه رادیویی "**نهضت روحانیت**" در ایران بود. علاوه بر وجود این ایستگاه رادیویی، "رادیو سروش، و رادیو "صدای انقلابیون" در آن زمان فعال بودند. بخش هایی از برنامه های رادیوی میهن پرستان به کارگردانی "سید محمود دعایی، هم کار حسین ریاحی، حسین احمدی روحانی، علیرضا سپاسی آشتیانی (نظریه پرداز اصلی سازمان پیکار) و و " اختصاص

داشت. و آنان بسیار استادانه، داستان‌هایی، دروغین و جعلی‌ای که راجع به تجاوز به رزمندگان در زندان‌های نظام پیشین زندانی و یا رهایی یافته بودند، می‌ساختند؛ و به خورد شنوندگان بی تجربه و ساده دل می‌دادند. البته، پس از شورش ۱۳۵۷ مشخص شد که داستان تهوع آور تجاوز به رهبر فلان سازمان، داستانی ساختگی بیش نبوده است!

طنز درد آور قضیه در این جاست، چند صبحی نمی‌گذرد که اسلامیون جاهل با قلدری و فتوای بگش بگش از سوی امامشان سوار بر اریکه قدرت شده و سر از پا نمی‌شناسند. بعد از بهمن ماه سال ۱۳۶۰، روزی هیئت سه نفره‌ای متشکل از - هادی خامنه‌ای، محمود دعایی، و محمد علی نجف آبادی که به اصطلاح نمایندگان مجلس جمهوری اسلامی وقت هستند، به ملاقات زندانیان در زندان اوین می‌روند تا به شکایات زندانیان دربند رسیدگی کنند! "پیش از اعدام هم کار پیشینش حسین ریاحی با وی ملاقات می‌کند. شاید به این امید که حسین طلب بخشش کند. حسین حرفی نمی‌زند. سید محمود دعایی موقع جدا شدن از حسین ریاحی، می‌گوید:

"زندگی است دیگر. گاهی آنطور و گاهی اینطور. یک روز کنار هم، علیه رژیم شاه، امروز در مقابل هم. تو علیه ما و ما هم علیه تو!" ر. ک.

مصدیقی، ایرج. غروب سپیده (نه زیستن نه مرگ). ناشر: آلفابت ماکزیم، سوئد، چاپ نخست، ۱۳۸۳. صص ۱۰۱ - ۱۹۱.

فخاری، حسن. سایه‌های همراه. ناشر: آلفابت ماکزیم، سوئد، چاپ نخست، ۱۳۸۷. ص ۲۸۰.

یاد انسان‌های فرهیخته‌ای چون محمد فرزام و عیسی سپهوند را همواره در خاطرم زنده نگه داشته، و تا زنده هستم، محبت‌های آن را فراموش نخواهم کرد.

ث - پس از ورود خمینی به ایران، اتفاقاً یکی از بی‌شرم‌ترین و هرزه‌ترین سینه‌چاکان حضرت آیت الله روح الله الموسوی الخمینی الهندی همین حضرت استاد دکتر رضا براهنی است. چرا راه دور برویم، این موجود ریاکار، حقه‌باز، و شیاد در کتاب "در انقلاب ایران چه شده و چه خواهد شد" (چاپ اول - ۱۳۵۸) آن چنان تجلیل و ستایشی از شیطان جماران می‌کند که حدّ و مرز ندارد!

نمونه‌ای دیگر از شاه‌کارهای این موجود به غایت نارسایی و روشنفکرخود پرست و بیمار جامعه‌ی ایران؛ کتاب ترجمه نشده‌ی "آدم‌خواران تاج‌دار - ۱۳۵۵ / The Crowned Cannibals 1976" که از دید قریب به اکثر ایرانیان خارج و داخل کشور، و به ویژه سلطنت طلب‌ها، به دور مانده است، می‌باشد. و ظاهراً آن جماعت باقی مانده از سلطنت طلب‌ها هنوز متوجه نشده‌اند که حضرت استاد دکتر رضا براهنی در این کتاب، چه تهمت‌ها، بهتان‌های ناروا و بسیار ناشایست، و غیر اخلاقی‌ای که در قوطی دگانه هیچ عطّاری‌ای یافت نمی‌شود، نثار "رضا شاه کبیر" کرده است.

این که اخیراً وزارت ارشاد نظام منحوس جمهوری اسلامی ایران، دکتر رضا براهنی را "معاند" خوانده و از سال ۱۳۸۸ مانع چاپ کتاب‌های وی شده است، یقیناً ناشی از بی‌سوادی و بی‌اطلاعی تصمیم‌گیران آن وزارت خانه می‌باشد.

(منبع خبر: خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) - ۸ بهمن ۱۳۹۲)

اگر سیاه بازی‌ها و سوپر شارلاتان بازی‌های فتنی و حرفه‌ای دکتر رضا براهنی را فقط برای لحظه‌ای به کنار بنهیم، پرسش این است، این خدای دروغ‌گویان و شایعه‌سازان دنیا و ایران که در کباده‌کشی و خوش‌رقصی برای رهبری نظام ارتجاعی و قرون وسطایی جمهوری اسلامی ایران، اثر جاودانه‌ای چون کتاب بالا از خود بر جای نهاده است؛ اساساً و منطقاً این فرد چه ضرر و یا خطری می‌تواند برای نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد!!!!؟؟؟

بی تردید، پذیرفتنی است که انقلاب ایران محصول خیانت جمعی و آگاهانه ی قریب به اکثر روشن فکران خود پرست چپ و راست، و نداشتن دور اندیشی و آینده نگری سیاسی رهبران احزاب های سیاسی فاسد ایران بوده است.



از راست: رضا براهنی و مهدی جوانفر

ج - توانایی بسیار بالا و هنر رسول شکاری، در زمینه ی نوازندگی ساز قانون را می توانم چنین خلاصه کنم: رسول شکاری یکی از معدود ترین نوازندگان ساز قانون در ایران است که از همان ابتداء، بالفطره خوره ی نوازندگی ساز قانون را داشته است! مهارت و تجزیه اصلی رسول شکاری ادغام کردن ملودی ها (mixing melodies) و بازی گرفتن پرده گردان های ساز قانون است. شیوه ی نوازندگی ساز قانون به توسط رسول شکاری نه تنها شنیدنی است بل که دیدنی نیز هست. بی جهت نیست که در زبان پارسی می گویند: "دود از گنده بلند می شود!" افسوس که نسل پس از انقلاب، در اعتلای این الهه ی ساراسواتی سازهای سنتی ایرانی، تا کنون از شیوه ی نوازندگی او بی بهره مانده است. هم اکنون، صدای ساز قانون رسول شکاری را می توان در آلبوم - عاشیق الموشام - خواننده: علی خدایی، آلبوم - عروسک: خواننده - مهران احراری، و هم چنین در آلبوم: داغت نبینوم - آهنگ های "یار کجا بودی" و "بندر خوبم" را با صدای محمود جهان شنید.

ج -



تصویری از مانا یاد استاد مهدی مفتاح

ح - طنز قضیه در این جاست باید دید که در زمان جنگ ایران و عراق (۳۱ شهریور ۱۳۵۹ / ۲۹ مرداد ۱۳۶۷) مترجمین تحت چه شرایطی بوده اند که چنین اشتباه فاحشی را در هنگام ترجمه مرتکب می شوند. و از همه بدتر نقش مترجم و ویراستار نهایی کتاب علی ادیب را د چيست که آن هم بعد از گذشت یو دهه از چاپ اول کتاب، هنوز همان اشتباه آنان را تکرار می کند. آن چه که مترجمین محترم در سر نداشتند این است که تصور نمی کردند شاید روزی و روزگاری این اشتباه سهوی آنان، در ایران امروز، جامه ی واقعیت به تن کند؛ و "شعر عرب" به "شب های عرب" مبدل گردد و شکل واقعیت به خود بگیرد! فاجعه تلخ و بسیار ناگوار وضعیت کنونی ایران حاکی از آن است که "شب های عرب"، پس از به روی کار آمدن نظام منحوس و رسوای جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و پس از جنگ تحمیلی ایران و عراق است که کم کم شکل می گیرد. بدبختانه، "شب های عرب" به همت امام جاهل و قدرت طلب، و با بی غیرتی سران ارتجاعی نظام جمهوری اسلامی ایران، و به پشتوانه ی امت حزب الله حاضر در صحنه، و سربازان گمنام امام زمان است که در کشور های کرانه ی خلیج فارس پیوسته تداوم یافته است!

پرسش این است کی و کجا مردم کشور ثروتمندی مانند ایران تصور می کردند که با برپایی بیرق تحمیلی اسلام در ایران امروز، روزگار و زندگی طبیعی و معمولی آنان به نام الله به تباهی و فساد کشانده می شود؟ کی و کجا قشری از زنان

آبرومند کشور ما تصوّر می کردند، روزی فرا خواهد رسید که برای گذران زندگی چاره ای جز تن فروشی نخواهند داشت؛ و برای تهیه مخرج زندگی کمر شکن حتی مجبورند نوباوگان خود را ناخواسته برای تن فروشی در اختیار مردان کشورهای کرانه ی خلیج فارس قرار داده و در تداوم ی "شب های عرب" که واگویی همان "داستان های هزار و یک شب" عصر ما است؛ روزگار غدار را با سرافکندگی و دق مرگی در زیر سایه ی جمهوری الله بگذرانند!؟

این که بهاییان و سایر اقلیت های قومی همانند هر ایرانی دیگر در آن سرزمین دارای حقّ و حقوقی برابر هستند، تردیدی نیست. و از این که بهاییان، متأسفانه، چه پیش از انقلاب و چه از زمان بر سر کار آمدن نظام منحوس جمهوری اسلامی ایران به شدّت و بی رحمانه به وسیله روحانیت شیعه؛ پیوسته مورد اذیت، آزار، شکنجه، گشتار، بی خانمانی، و آوارگی قرار داشته اند، شکی نیست. در پیش از شورش سال ۱۳۵۷، ملأیان در بالای منابرشان فریاد می زدند: "فقط ۲۴ ساعت این مملکت را بدهید به دست ما، ما این مملکت را ۲۴ ساعته یک دسته گل می کنیم!!!" خُب آقایان؛ ۳۵ از حکومتان می گذرد. به راستی، چه گلی بر سر این ملت زده اید!؟ و از همه مهم تر، در این دوره و زمانه، بالاخره آن آیات الهی و آن همه احادیث پیامبر اسلام کی و چه وقت می خواهد در روی کره ی خاکی و آن هم در آن کشور پیاده بشود!؟

آن چه آشکار است، جمهوری اسلامی ایران به خاطر اتخاذ سیاست های غلط اندر غلط باعث شده است که ایران در جهان رقابتی امروز وجهه، حیثیت، و اعتبار جهانی اش را به کلی از دست بدهد. و حتّا پس از سرنگونی نظام منحوس جمهوری اسلامی ایران، ترمیم این خرابی های فرهنگی به این زودی زودی ها از اذهان عموم (به خصوص جوامع غربی) آن هم در سطح جهانی محو نخواهد شد.

خ - بیش از حدّ کوشش می کنم که در زمینه ی هنر و حرفه ترجمه، از آن عزیزان در شبکه ی جهانی اینترنت اثر و یا ردّپای ببابم. آن چه که در باره ی خانم سیرانوش بازایل به دست می آید این است که: "اولین هنرپیشه زن ارمنی در ایران مادام سیرانوش بوده است." و تازه معلوم نیست آیا این مادام سیرانوش همان سیرانوش بازایل مورد نظر ملیحه سعیدی می باشد و یا نه؟ و هم چنین در مورد پرویز یاقوفاً مطلقاً ردّ پای نیست. و از آن گذشته، در باره ی احمد ستوده به جزء جمله ی تکراری زیر: "وی تحصیلات آکادمیک خود را در دانشکده عالی ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه تهران و در رشته های زبان و ادبیات فرانسه و انگلیسی به پایان رساند،" مطلب دیگری وجود ندارد.

د - "عبدالقادر مراغه ای، ریاضی دان، موسیقی دان و نوازنده ی ایرانی قرن نهم هجری است که لقب (معلم دوّم) را در موسیقی دارد. او علاوه بر هنر نوازندگی، در خوش نویسی، شعر و نقاشی تبخّر داشته است. ارتباط بین موسیقی ایرانی و موسیقی ترک از جمله پژوهش های اوست. او همراه با ابو نصر فارابی، ابوعلی سینا، صفی الدین ارموی و قطب الدین شیرازی از بزرگترین نظریه پردازان موسیقی ایرانی به شمار می رود."

محمّد رضا درویشی در آلبوم "مجموعه ی شوق نامه" به باز سازی آثار قدیمی عبدالقادر مراغه ای، با صدای همایون شجریان و گروه نوازندگان ۹ نفره پرداخته که در نوع خود اثری است جاودانه در تاریخ موسیقی ایران.



گروه ۹ نفره ی نوازندگان. آثار بازسازی شده ی عبدالقادر مراغه ای به سرپرستی محمدرضا درویشی (ردیف نشسته از چپ، نفر دوّم)، و با خوانندگی همایون شجریان

<http://www.youtube.com/watch?v=hE9PteXQbYg>

توضیحات محمد رضا درویشی در باره ی پروژه ی "مجموعه ی شوقنامه"

<http://youtu.be/okGrg5W-rJM>

صحبت‌های محمدرضا درویشی، همایون شجریان و محمدرضا شجریان درباره ی شوقنامه شوقنامه

ن - ر. ک. به ص ۸، مقاله بسیار بلند - "کالبد شکافی راز نهفته ی بوف کور" - از همین قلم.

ر - ساز قانون از خانواده ی ساز زیتیر (zither /zīth'ər/) محسوب شده و در کشور های ی گوناگون روی کره ی زمین این ساز به شکل های مختلف دیده می شود. در هندوستان این ساز را سورمندل (Swarmandal - स्वरमण्डल) نام دارد و در غرب آن را زیتیر هندی [Indian zither](#) می نامند.



ساز سورمندل هندی

تمامی وکالیست های (زیبا خوانان و یا آواز خوانان - Vocalist) هندوستان در هنگام اجرای برنامه از ساز سورمندل جهت استفاده از آرپهای پی در پی استفاده می کنند. [گیريجا دوی](#) [Girija Devi](#)، برادران راجان و ساجان میشر [Rajan and Sajana Mishra](#)، پاندیت جس راج [Pandit Jasraj](#)، استاد باد غلام علی خان [Ustad Bade Ghulam Ali Khan](#)، پاندیت بهیم جوشی [Bhimsen Joshi](#)، ساراسواتی عبدل رانه [Saraswati Abdul Rane](#) از وکالیست های بسیار مشهور هندوستان می باشند.



تریپتی مُکرجی هم راه با ساز سور مندل
[Tripti Mukherjee](#)



پاندیت جس راج هم راه با ساز سور مندل
[Pandit Jasraj](#)

در سرزمین بسیار پهناور کانادا، مایکل هنرمندی است که سالیان سال از طریق نوشتن اشعار و فروش لوح های شنیداری (سی.دی. / C.D.) و هم چنین نواختن سازش زیتیر توانسته روزگار غدار را پشت سر به نهد. و مردم عادی تورنتو هم سال ها شاهد هنرمندی او در کنار خیابان بوده اند.



مایکل اروپایی الاصل، علی رغم دریافت بودجه ماهانه ی دوران سال مندی، برای گذراندن اوقات روزانه و برای به دست آوردن اندکی پول تو جیبی آن هم در دوران کهن سالی، گاهی در تقاطع خیابان های هاربرد و سنت جرج (ضلع جنوب غربی کتاب خانه ی اصلی دانشگاه تورنتو)، و خیابان های یانگ و لایبرری (بالتر از خیابان شپرد) به نواختن سازش **زیتِر** (zither) می پردازد. (این عکس را در بعد از ظهر روز یک شنبه ۲۷ مرداد ۱۳۹۲ برابر با تاریخ 18/08/2013 گرفتم. و از آن تاریخ تا به کنون مایکل را دیگر ندیده ام. . .)

ز- به کتاب خانه ی مرکزی کلان شهر تورنتو ([Toronto Reference Library](http://toronto-reference-library.com)) می روم. از میان فرهنگ های موجود دو زبانه ی انگلیسی- ارمنی- و بالعکس حتّا یک مورد هم در مورد واژه ی "کنار" موردی نمی یابم. و سپس، سراغ ده کده ی جهانی (اینترنت) می روم. پس از صرف ساعت ها جست و جو نمی توانم موردی که تلفظ دقیق ارمنی به خصوص (تلفظ یروانی) را ثبت کرده باشد، بیابم. در مرحله نهایی، از میان ده ها کلیسای ویژه ارمنه ی تورنتو، یکی را که بیشتر به کار فرهنگی می خورد نظرم را جلب می کند. برای مسئول و رهبر بخش موسیقی کلیسا، خانم **ریپسیمی دِمیرچیان** ([Hripsime Demirjian](http://hripsime-demirjian.com)) ایمیلی می فرستم. و در متن ایمیل از ایشان می خواهم تا از طریق به کارگیری خط آوا نگار "IPA" پاسخم را بنویسد. یک هفته ای می گذرد و جوابی دریافت نمی کنم. به مصداق "جوینده، یابنده است!" در هوای سرد تورنتو با بیش از بیست کیلومتر (رفت و برگشت) رانندگی می کنم و خودم را به کلیسای مربوطه می رسانم. خود را در داخل کلیسایی بس بسیار تمیز، مرتب، و منظم می یابم. بُهتَم می زند. و ناخودآگاه غبط می خورم که چرا ما. . .

سراغ خانم دِمیرچیان را می گیرم. سریدار کلیسا پاسخم می دهد: "همین جلوی پای شما رفت." می پرسد: "وقت ملاقات داری؟" پاسخ می دهم: "چند روز پیش برای ایشان ایمیلی فرستادم، ولی جوابی دریافت نکرده ام. اینست که مجبور شدم تا ایشان را از نزدیک ببینم." منتظر پرسش بعدی اش نمی مانم. ضمن نشان دادن فتوکپی. ایمیلی که برای ایشان فرستاده ام، می گویم دوست دارم بدانم که این واژه در ارمنستان، به خصوص در **یروان** چگونه تلفظ است؟ نگاهی به سر خط کُپی ایمیل می اندازد و می گوید: "یروانی هستم. در حالی که چشمانش بر روی صفحه فتوکپی و روی آن واژه متمرکز شده است، بعد از مکثی بلند ادامه می دهد و می گوید: بله. این واژه را ما در یروان **کنار** تلفظ می کنیم. در حالی که کاغذ و خودکارم را به منظور ثبت تلفظ واژه از طریق به کارگیری خط آوا نویسی بین المللی هستم، گوشم را کمی نزدیک می برم و از ایشان می خواهم یک بار دیگر آن واژه را تکرار کند. و بلافاصله تلفظ واژه را بر روی کاغذ ثبت می کنم. و برای آن که مطمئن بشوم "فشار تکیه نخستین و یا احیاناً فشار تکیه دوم" را درست نوشته ام، از ایشان می خواهم واژه را دو باره و سه باره تکرار کند. بالاخره، خوشحال از آن که توانسته ام تلفظ دقیق واژه را از طریق به کارگیری خط آوا نویسی بین المللی بنویسم، سر از پا نمی شناسم، و پس از تشکر از ایشان، محلّ کلیسا را ترک می کنم.

چند روزی نمی گذرد، خانم دِمیرچیان تلفنی تماس می گیرد. از ایشان می خواهم که واژه ی ارمنی "گنار" را چند بار تکرار کند، تا بتوانم با تلفظ ثبت شده تطبیق کنم. تلفظ ایشان با تلفظ سرایدار کلیسا مو نمی زند. پیش از پایان صحبت تلفنی، ایشان تأکید می کند: چنان چه هر زمان نیازی به رفع اشکال و ابهام وجود داشته باشد، با ایشان مجدداً تماس بگیرم.

به مناسبت فرا رسیدن سال میلادی 2014 برای ایشان کارت تبریکی می فرستم و سال جدید را به ایشان و خانواده تبریک می گویم. و آرزو می کنم که تورنتو روزی شاهد هنرنمایی قانون نوازان ارمنی مانند: **هسمیک لیلویان** ([Hesmik](http://hesmik.com))، **سُوینار هاوهایسیان** ([Tsovinar Hovhannisyann](http://tsovinart.com))، **وَرژین آلمیان** ([Verzhine Alamiyan](http://verzhine.com))، **شوشانیک سافاتلیان** ([Shushanik Saghatelian](http://shushanik.com))، **آنژلا اتابکیان** ([Anzhela Atabekyan](http://anzhela.com))، **آناهیت دلبریان** ([Anahit Dilbaryan](http://anahit.com))، و به تعبیر من، **نایغه قانون نواز**. نوجوان ارمنستان و یا دنیا، **نارک کازازیان** ([Narek Kazazyann](http://narek.com)) باشد.

[http://en.wikipedia.org/wiki/Qanun_\(instrument\)#cite_note-Nasuhio.C4.9Flu1985-2](http://en.wikipedia.org/wiki/Qanun_(instrument)#cite_note-Nasuhio.C4.9Flu1985-2)

ژ - رُئوف یکتا

در این راستا، متأسفانه کشور کانادا، علی رغم صرف بودجه ای بسیار عظیم بر سر مسایل چند فرهنگی، در سطح ملی و جهانی اصلاً در زمینه ی معرفی این ساز، محلّی از اعراب ندارد. و نسبت به همسایه ی جنوبی اش - آمریکا -؛ و آن هم به خاطر فرهنگ انعطاف ناپذیراش، تا کنون (Febrauy 2014) قادر نبوده است حتّا یک **یک** نوازنده ی ساز قانون از میان فرهنگ غالب (Main stream)، تحویل جامعه و دنیا بدهد.

<http://www.sarahmichael53.com/contact.html>

سارا مایکل نوازنده ی ساز قانون (آمریکا)

س - ر.ک. به مقاله "نقد کتاب و سی دی گلنوش: چهل قطعه برای ساز قانون" از همین قلم.

ش - سعیدی، ملیحه. آموزش ساز قانون - جلد ۱. تهران: مبنای خرد، ۱۳۸۹.

ص - گروه موسیقی "نیریز" به سرپرستی دکتر ملیحه سعیدی و آواز دکتر سید عبدالحسین مختاباد در کانادا، ابتداء در روز ۱۷ تیر ۱۳۹۰ (هشتم جولای ۲۰۱۱) در سالن گس سنتر شهر مونترال آغاز، و سپس در ۱۸ تیرماه نهم (جولای) در دانشگاه اوتاوا به اجرای کنسرت پرداختند. و سر انجام در پایان تور کنسرت گروه نیریز، در تاریخ ۱۹ تیرماه (دهم جولای) به همراه مختاباد، ملیحه سعیدی و سایر اعضای گروه به اجرای موسیقی در تالار ریچموند هیل شهر تورنتو پرداخت!



خانم دکتر ملیحه سعیدی (ایران)

نکته ی قابل تعمق این است که در این ینگه ی دنیا، آدم جداً باید بی کار باشد که جدا از به هدر دادن پول خود آن هم برای تهیه بلیط کنسرت، وقت گرانیهایش را صرف شنیدن عرعر کردن این خواننده ی حزب اللهی دکتر سید عبدالحسین مختاباد که در دوران خفقان و بگیر و ببند ها از مآحان سران جمهوری اسلامی و از مسئولین وزارت ارشاد اسلامی بوده است، بکند!

پرسش اساسی ای که باقی می ماند این است که حضور این همه حزب اللهی در شهر های گوناگون کانادا از برای چیست؟! باعث تعجب است که حضور جمعی حزب اللهی های ارتجاعی و عقب مانده، اصلاً چه نفعی برای کشور کانادا می تواند داشته باشد؟!

<http://www.seemorgh.com/culture/2064/106737.html>

<http://www.iranmusicnews.net>

<http://youtu.be/NAwGJEkVqqo>

کلیپ نوازندگی ملیحه سعیدی

بر اساس طبقه بندی. اریک بُستِل و کِرت سَکس بخشی از سازهای زهی مضرابی و آرشه ای - کُردوفون- (Chordophone) که به شکل ها و اندازه های مختلف در مناطق گوناگون کره ی خاکی موجودند، در صفحات زیر دیده می شوند. ساز قانون نیز در این طبقه بندی قرار دارد.





